قرآن مجید

به همراه ۲۸ ترجمه و ۶ تفسیر

به زبان های زنده دنیا

الکافرون



آشنایی. اعراب آیات. آوانگاری قرآن

بسم الله الرحمن الرحیم

قرآن مجید - ۲۸ ترجمه - ۶ تفسیر

نویسنده:

جمعی از نویسندگان

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۱۰۹. سوره الکافرون

مشخصات کتاب

سرشناسه:مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان،۱۳۸۸ عنوان و نام پدیدآور:قرآن مجید به همراه ۲۸ ترجمه و ۶ تفسیر/ مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان مشخصات نشر دیجیتالی:اصفهان:مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان ۱۳۸۸. مشخصات ظاهری:نرم افزار تلفن همراه و رایانه

موضوع:معارف قرآنی

سوره الکافرون

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ

قُلْ يا أَيُّهَا الْكافِرُونَ (۱)

لا أَعْبُدُ ما تَعْبُدُونَ (۲)

وَ لا أَنْتُمْ عابِدُونَ ما أَعْبُدُ (۳)

وَ لا أَنا عابِدٌ ما عَبَدْتُّمْ (۴)

وَ لا أَنْتُمْ عابِدُونَ ما أَعْبُدُ (۵)

لَكُمْ دِينُكُمْ وَ لِيَ دِينِ (۶)

آشنایی با سوره

۱۰۹- کافرون [کافرها]

در این سوره، خداوند به پیامبر فرمان برائت از خدایان مشرکین و عقاید باطل آنها را می دهد. چرا که میان توحید و شرک، هرگز سازشی نیست. نزول این سوره در پی آن بود که بعضی از مشرکین، از پیامبر می خواستند که مدتی بت های آن را عبادت کنند تا آنها هم خدای محمد را بپرستند. سوره، مسلمانان را از سازش بر سر اصول اعتقادی و مبانی بنیادی مکتب بر حذر می دارد. بنام سوره «عبادات هم گفته شده است. ۶ آیه دارد و بعد از سوره ماعون (یا: فیل) در اوائل بعثت در مکه نازل شده است.

شان نزول

موضع گیری شفاف

شأن نزول آیه های ۲ تا ۶ سوره کافرون

«ولید بن مغیره»، «امیه بن خلف»، «حارث بن قیس» و «عاص بن وائل»، به نمایندگی از دیگر سران قریش، با پیشنهاد جدیدی برای دیدن پیامبر به سوی مسجدالحرام حرکت کردند. آنان به نتیجه مثبت این گفت و گو امیدوار بودند. مشرکان در این پیشنهاد با انعطاف پذیری می کوشیدند تا اندازه ای به خواسته های پیامبرتن دهند و به آن جامه عمل بپوشانند. پیامبر آنان را به حضور پذیرفت. آنان نیز بی مقدمه سخن آغاز کردند و پیشنهاد خود را ارایه دادند و گفتند: ما از آیین تو پیروی می کنیم، تو نیز از آیین ما پیروی کن. یک سال ما خدای تو را عبادت می کنیم و یک سال تو خدایان ما را عبادت کن. پیشنهاد ما آزمایشی و تنها برای مدت یک سال است. در این مدت، اگر آیین تو بهتر باشد، در آن صورت ما زیان ندیده ایم و چیزی را از دست نداده ایم؛ چون با تو شریک بوده ایم و بهره خود را گرفته ایم

و اگر آیین ما بهتر باشد، تو نیز زیان ندیده ای و بهره ات را از آن گرفته ای؛ چون در آیین ما شریک بوده ای. علاوه بر این، ما تو را در همه امتیازهای خود شریک می سازیم. تو را به ریاست خود برمی گزینیم و دیگر نیازهایت را نیز تأمین می کنیم. پس از ارایه این پیشنهاد، در انتظار پاسخ مثبت پیامبر بودند، ولی پیامبر تنها فرمود: به خدا پناه می برم از این که چیزی را همتای او قرار دهم. پاسخ پیامبر، سبب ناامیدی آنان شد. هنگامی که از مسجد بیرون می رفتند، برای آخرین بار گفتند: ای محمد! اگر خدایان ما را لمس کنی و به آن تبرک هم بجویی، ما رضایت می دهیم و قانع می شویم. در آن صورت، ما از آزارت دست بر می داریم. تصدیقت می کنیم و خدای تو را می پرستیم. پیامبر که پافشاری آنان را دید، به آن ها فرمود: من منتظر فرمان پروردگارم هستم. در این هنگام، سوره «قل یا ایهاالکافرین» نازل شد و رسول اللّه بی درنگ این سوره را تا آخر بر آنان خواند. مشرکان وقتی این سوره را شنیدند، کاملاً نا امید شدند و از آن پس، حضرت و یارانش را بیش از گذشته آزار دادند. پیامبر نیز با تلاوت این آیه ها، جدایی کامل خط خود را از آنان اعلام کرد و با صراحت گفت: من هرگز بت پرستی نخواهم کرد و شما نیز با این لجاجت که دارید و با تقلید کورکورانه از نیاکان و با سود سرشاری که از بت پرستان به شما می رسد، هرگز حاضر به خداپرستی خالص نیستید. آن چه در این سوره آمده است، در واقع، بیانگر این واقعیت است که توحید وشرک،

دو برنامه متضاد و دو مسیر کاملاً جدا هستند و هیچ شباهتی با هم ندارند. توحید، انسان را به خدا می رساند و شرک، او را از خدا بیگانه می کند. بنابراین، پویندگان راه حق باید در همه جا شفاف سخن بگویند و بیزاری خود را از هر گونه شرک و سازش با مشرکان اعلام کنند؛ این است راه اصیل اسلام. آیه های ۲ تا ۶ سوره کافرون بر جدایی مسیر حق و باطل تأکید می کند:

بگو: ای کافران! آن چه می پرستید، نمی پرستم. « و آن چه می پرستم، شما نمی پرستید « و نه آن چه می پرستیدید، من می پرستم « و نه آن چه من می پرستم، شما می پرستید. « دین شما برای خودتان و دین من برای خودم. « (۱)

پاورقی:

(۱) تفسیر نمونه، ج۲۷، ص ۳۸۴.

موضع گیری شفاف

شأن نزول آیه های ۲ تا ۶ سوره کافرون

«ولید بن مغیره»، «امیه بن خلف»، «حارث بن قیس» و «عاص بن وائل»، به نمایندگی از دیگر سران قریش، با پیشنهاد جدیدی برای دیدن پیامبر به سوی مسجدالحرام حرکت کردند. آنان به نتیجه مثبت این گفت و گو امیدوار بودند. مشرکان در این پیشنهاد با انعطاف پذیری می کوشیدند تا اندازه ای به خواسته های پیامبرتن دهند و به آن جامه عمل بپوشانند. پیامبر آنان را به حضور پذیرفت. آنان نیز بی مقدمه سخن آغاز کردند و پیشنهاد خود را ارایه دادند و گفتند: ما از آیین تو پیروی می کنیم، تو نیز از آیین ما پیروی کن. یک سال ما خدای تو را عبادت می کنیم و یک سال تو خدایان ما را عبادت کن. پیشنهاد ما آزمایشی و تنها برای مدت یک سال است. در این مدت، اگر آیین تو بهتر باشد، در آن صورت

ما زیان ندیده ایم و چیزی را از دست نداده ایم؛ چون با تو شریک بوده ایم و بهره خود را گرفته ایم و اگر آیین ما بهتر باشد، تو نیز زیان ندیده ای و بهره ات را از آن گرفته ای؛ چون در آیین ما شریک بوده ای. علاوه بر این، ما تو را در همه امتیازهای خود شریک می سازیم. تو را به ریاست خود برمی گزینیم و دیگر نیازهایت را نیز تأمین می کنیم. پس از ارایه این پیشنهاد، در انتظار پاسخ مثبت پیامبر بودند، ولی پیامبر تنها فرمود: به خدا پناه می برم از این که چیزی را همتای او قرار دهم. پاسخ پیامبر، سبب ناامیدی آنان شد. هنگامی که از مسجد بیرون می رفتند، برای آخرین بار گفتند: ای محمد! اگر خدایان ما را لمس کنی و به آن تبرک هم بجویی، ما رضایت می دهیم و قانع می شویم. در آن صورت، ما از آزارت دست بر می داریم. تصدیقت می کنیم و خدای تو را می پرستیم. پیامبر که پافشاری آنان را دید، به آن ها فرمود: من منتظر فرمان پروردگارم هستم. در این هنگام، سوره «قل یا ایهاالکافرین» نازل شد و رسول اللّه بی درنگ این سوره را تا آخر بر آنان خواند. مشرکان وقتی این سوره را شنیدند، کاملاً نا امید شدند و از آن پس، حضرت و یارانش را بیش از گذشته آزار دادند. پیامبر نیز با تلاوت این آیه ها، جدایی کامل خط خود را از آنان اعلام کرد و با صراحت گفت: من هرگز بت پرستی نخواهم کرد و شما نیز با این لجاجت که دارید و با تقلید کورکورانه از نیاکان و با سود سرشاری که از بت پرستان به شما می رسد، هرگز حاضر

به خداپرستی خالص نیستید. آن چه در این سوره آمده است، در واقع، بیانگر این واقعیت است که توحید وشرک، دو برنامه متضاد و دو مسیر کاملاً جدا هستند و هیچ شباهتی با هم ندارند. توحید، انسان را به خدا می رساند و شرک، او را از خدا بیگانه می کند. بنابراین، پویندگان راه حق باید در همه جا شفاف سخن بگویند و بیزاری خود را از هر گونه شرک و سازش با مشرکان اعلام کنند؛ این است راه اصیل اسلام. آیه های ۲ تا ۶ سوره کافرون بر جدایی مسیر حق و باطل تأکید می کند:

بگو: ای کافران! آن چه می پرستید، نمی پرستم. « و آن چه می پرستم، شما نمی پرستید « و نه آن چه می پرستیدید، من می پرستم « و نه آن چه من می پرستم، شما می پرستید. « دین شما برای خودتان و دین من برای خودم. « (۱)

پاورقی:

(۱) تفسیر نمونه، ج۲۷، ص ۳۸۴.

موضع گیری شفاف

شأن نزول آیه های ۲ تا ۶ سوره کافرون

«ولید بن مغیره»، «امیه بن خلف»، «حارث بن قیس» و «عاص بن وائل»، به نمایندگی از دیگر سران قریش، با پیشنهاد جدیدی برای دیدن پیامبر به سوی مسجدالحرام حرکت کردند. آنان به نتیجه مثبت این گفت و گو امیدوار بودند. مشرکان در این پیشنهاد با انعطاف پذیری می کوشیدند تا اندازه ای به خواسته های پیامبرتن دهند و به آن جامه عمل بپوشانند. پیامبر آنان را به حضور پذیرفت. آنان نیز بی مقدمه سخن آغاز کردند و پیشنهاد خود را ارایه دادند و گفتند: ما از آیین تو پیروی می کنیم، تو نیز از آیین ما پیروی کن. یک سال ما خدای تو را عبادت می کنیم و یک سال تو خدایان ما را عبادت کن. پیشنهاد ما

آزمایشی و تنها برای مدت یک سال است. در این مدت، اگر آیین تو بهتر باشد، در آن صورت ما زیان ندیده ایم و چیزی را از دست نداده ایم؛ چون با تو شریک بوده ایم و بهره خود را گرفته ایم و اگر آیین ما بهتر باشد، تو نیز زیان ندیده ای و بهره ات را از آن گرفته ای؛ چون در آیین ما شریک بوده ای. علاوه بر این، ما تو را در همه امتیازهای خود شریک می سازیم. تو را به ریاست خود برمی گزینیم و دیگر نیازهایت را نیز تأمین می کنیم. پس از ارایه این پیشنهاد، در انتظار پاسخ مثبت پیامبر بودند، ولی پیامبر تنها فرمود: به خدا پناه می برم از این که چیزی را همتای او قرار دهم. پاسخ پیامبر، سبب ناامیدی آنان شد. هنگامی که از مسجد بیرون می رفتند، برای آخرین بار گفتند: ای محمد! اگر خدایان ما را لمس کنی و به آن تبرک هم بجویی، ما رضایت می دهیم و قانع می شویم. در آن صورت، ما از آزارت دست بر می داریم. تصدیقت می کنیم و خدای تو را می پرستیم. پیامبر که پافشاری آنان را دید، به آن ها فرمود: من منتظر فرمان پروردگارم هستم. در این هنگام، سوره «قل یا ایهاالکافرین» نازل شد و رسول اللّه بی درنگ این سوره را تا آخر بر آنان خواند. مشرکان وقتی این سوره را شنیدند، کاملاً نا امید شدند و از آن پس، حضرت و یارانش را بیش از گذشته آزار دادند. پیامبر نیز با تلاوت این آیه ها، جدایی کامل خط خود را از آنان اعلام کرد و با صراحت گفت: من هرگز بت پرستی نخواهم کرد و شما نیز با این لجاجت که دارید

و با تقلید کورکورانه از نیاکان و با سود سرشاری که از بت پرستان به شما می رسد، هرگز حاضر به خداپرستی خالص نیستید. آن چه در این سوره آمده است، در واقع، بیانگر این واقعیت است که توحید وشرک، دو برنامه متضاد و دو مسیر کاملاً جدا هستند و هیچ شباهتی با هم ندارند. توحید، انسان را به خدا می رساند و شرک، او را از خدا بیگانه می کند. بنابراین، پویندگان راه حق باید در همه جا شفاف سخن بگویند و بیزاری خود را از هر گونه شرک و سازش با مشرکان اعلام کنند؛ این است راه اصیل اسلام. آیه های ۲ تا ۶ سوره کافرون بر جدایی مسیر حق و باطل تأکید می کند:

بگو: ای کافران! آن چه می پرستید، نمی پرستم. « و آن چه می پرستم، شما نمی پرستید « و نه آن چه می پرستیدید، من می پرستم « و نه آن چه من می پرستم، شما می پرستید. « دین شما برای خودتان و دین من برای خودم. « (۱)

پاورقی:

(۱) تفسیر نمونه، ج۲۷، ص ۳۸۴.

موضع گیری شفاف

شأن نزول آیه های ۲ تا ۶ سوره کافرون

«ولید بن مغیره»، «امیه بن خلف»، «حارث بن قیس» و «عاص بن وائل»، به نمایندگی از دیگر سران قریش، با پیشنهاد جدیدی برای دیدن پیامبر به سوی مسجدالحرام حرکت کردند. آنان به نتیجه مثبت این گفت و گو امیدوار بودند. مشرکان در این پیشنهاد با انعطاف پذیری می کوشیدند تا اندازه ای به خواسته های پیامبرتن دهند و به آن جامه عمل بپوشانند. پیامبر آنان را به حضور پذیرفت. آنان نیز بی مقدمه سخن آغاز کردند و پیشنهاد خود را ارایه دادند و گفتند: ما از آیین تو پیروی می کنیم، تو نیز از آیین ما

پیروی کن. یک سال ما خدای تو را عبادت می کنیم و یک سال تو خدایان ما را عبادت کن. پیشنهاد ما آزمایشی و تنها برای مدت یک سال است. در این مدت، اگر آیین تو بهتر باشد، در آن صورت ما زیان ندیده ایم و چیزی را از دست نداده ایم؛ چون با تو شریک بوده ایم و بهره خود را گرفته ایم و اگر آیین ما بهتر باشد، تو نیز زیان ندیده ای و بهره ات را از آن گرفته ای؛ چون در آیین ما شریک بوده ای. علاوه بر این، ما تو را در همه امتیازهای خود شریک می سازیم. تو را به ریاست خود برمی گزینیم و دیگر نیازهایت را نیز تأمین می کنیم. پس از ارایه این پیشنهاد، در انتظار پاسخ مثبت پیامبر بودند، ولی پیامبر تنها فرمود: به خدا پناه می برم از این که چیزی را همتای او قرار دهم. پاسخ پیامبر، سبب ناامیدی آنان شد. هنگامی که از مسجد بیرون می رفتند، برای آخرین بار گفتند: ای محمد! اگر خدایان ما را لمس کنی و به آن تبرک هم بجویی، ما رضایت می دهیم و قانع می شویم. در آن صورت، ما از آزارت دست بر می داریم. تصدیقت می کنیم و خدای تو را می پرستیم. پیامبر که پافشاری آنان را دید، به آن ها فرمود: من منتظر فرمان پروردگارم هستم. در این هنگام، سوره «قل یا ایهاالکافرین» نازل شد و رسول اللّه بی درنگ این سوره را تا آخر بر آنان خواند. مشرکان وقتی این سوره را شنیدند، کاملاً نا امید شدند و از آن پس، حضرت و یارانش را بیش از گذشته آزار دادند. پیامبر نیز با تلاوت این آیه ها، جدایی کامل خط خود را از آنان اعلام

کرد و با صراحت گفت: من هرگز بت پرستی نخواهم کرد و شما نیز با این لجاجت که دارید و با تقلید کورکورانه از نیاکان و با سود سرشاری که از بت پرستان به شما می رسد، هرگز حاضر به خداپرستی خالص نیستید. آن چه در این سوره آمده است، در واقع، بیانگر این واقعیت است که توحید وشرک، دو برنامه متضاد و دو مسیر کاملاً جدا هستند و هیچ شباهتی با هم ندارند. توحید، انسان را به خدا می رساند و شرک، او را از خدا بیگانه می کند. بنابراین، پویندگان راه حق باید در همه جا شفاف سخن بگویند و بیزاری خود را از هر گونه شرک و سازش با مشرکان اعلام کنند؛ این است راه اصیل اسلام. آیه های ۲ تا ۶ سوره کافرون بر جدایی مسیر حق و باطل تأکید می کند:

بگو: ای کافران! آن چه می پرستید، نمی پرستم. « و آن چه می پرستم، شما نمی پرستید « و نه آن چه می پرستیدید، من می پرستم « و نه آن چه من می پرستم، شما می پرستید. « دین شما برای خودتان و دین من برای خودم. « (۱)

پاورقی:

(۱) تفسیر نمونه، ج۲۷، ص ۳۸۴.

موضع گیری شفاف

شأن نزول آیه های ۲ تا ۶ سوره کافرون

«ولید بن مغیره»، «امیه بن خلف»، «حارث بن قیس» و «عاص بن وائل»، به نمایندگی از دیگر سران قریش، با پیشنهاد جدیدی برای دیدن پیامبر به سوی مسجدالحرام حرکت کردند. آنان به نتیجه مثبت این گفت و گو امیدوار بودند. مشرکان در این پیشنهاد با انعطاف پذیری می کوشیدند تا اندازه ای به خواسته های پیامبرتن دهند و به آن جامه عمل بپوشانند. پیامبر آنان را به حضور پذیرفت. آنان نیز بی مقدمه سخن آغاز کردند

و پیشـنهاد خود را ارایه دادنـد و گفتنـد: مـا از آیین تو پیروی می کنیم، تو نیز از آیین مـا پیروی کن. یک سال ما خـدای تو را عبادت می کنیم و یک سال تو خدایان ما را عبادت کن. پیشـنهاد ما آزمایشی و تنها برای مدت یک سال است. در این مدت، اگر آیین تو بهتر باشد، در آن صورت ما زیان ندیده ایم و چیزی را از دست نداده ایم؛ چون با تو شریک بوده ایم و بهره خود را گرفته ایم و اگر آیین مـا بهتر باشـد، تو نیز زیان ندیـده ای و بهره ات را از آن گرفته ای؛ چون در آیین ما شـریک بوده ای. علاوه بر این، مـا تو را در همه امتیازهـای خود شـریک می سـازیم. تو را به ریـاست خود برمی گزینیم و دیگر نیازهایت را نیز تأمین می کنیم. پس از ارایه این پیشـنهاد، در انتظار پاسـخ مثبت پیامبر بودنـد، ولی پیامبر تنها فرمود: به خـدا پناه می برم از این که چیزی را همتای او قرار دهم. پاسخ پیامبر، سـبب ناامیدی آنان شد. هنگامی که از مسـجد بیرون می رفتند، برای آخرین بار گفتنـد: ای محمـد! اگر خـدایان مـا را لمس کنی و بـه آن تـبرک هم بجـویی، مـا رضـایت می دهیم و قـانع می شـویم. در آن صورت، ما از آزارت دست بر می داریم. تصـدیقت می کنیم و خـدای تو را می پرستیم. پیامبر که پافشاری آنان را دید، به آن هـا فرمود: من منتظر فرمـان پروردگـارم هسـتم. در این هنگـام، سوره «قل یا ایهاالکافرین» نازل شـد و رسول اللّه بی درنگ این سوره را تا آخر بر آنان خواند. مشرکان وقتی این سوره را شنیدند، کاملاً نا امید شدند و از آن پس، حضرت و یارانش را

بیش از گذشته آزار دادند. پیامبر نیز با تلاوت این آیه ها، جدایی کامل خط خود را از آنان اعلام کرد و با صراحت گفت: من هرگز بت پرستی نخواهم کرد و شما نیز با این لجاجت که دارید و با تقلید کورکورانه از نیاکان و با سود سرشاری که از بت پرستان به شما می رسد، هرگز حاضر به خداپرستی خالص نیستید. آن چه در این سوره آمده است، در واقع، بیانگر این واقعیت است که توحید وشرک، دو برنامه متضاد و دو مسیر کاملاً جدا هستند و هیچ شباهتی با هم ندارند. توحید، انسان را به خدا می رساند و شرک، او را از خدا بیگانه می کند. بنابراین، پویندگان راه حق باید در همه جا شفاف سخن بگویند و بیزاری خود را از هر گونه شرک و سازش با مشرکان اعلام کنند؛ این است راه اصیل اسلام. آیه های ۲ تا ۶ سوره کافرون بر جدایی مسیر حق و باطل تأکید می کند:

بگو: ای کافران! آن چه می پرستید، نمی پرستم. « و آن چه می پرستم، شما نمی پرستید » و نه آن چه می پرستیدید، من می پرستم » و نه آن چه من می پرستم، شما می پرستید. » دین شما برای خودتان و دین من برای خودم. » (۱)

پاورقی:

(۱) تفسیر نمونه، ج۲۷، ص ۳۸۴.

اعراب آیات

{بِسْمِ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور {اللَّهِ} مضاف الیه، مجرور یا در محل جر / فعل مقدّر یا محذوف / فاعل محذوف {الرَّحْمنِ} نعت تابع {الرَّحِيمِ} نعت تابع

{قُلْ} فعل امر مبنی بر سکون / فاعل، ضمیر مستتر (أنت) در تقدیر {یا} (یا) حرف ندا {أَيُّهَا} منادا، منصوب یا در محل نصب / (ها) حرف تنبیه {الْكافِرُونَ} نعت

تابع

{لا} حرف نفی غیر عامل {أَعْبُدُ} فعل مضارع، مرفوع به ضـمه ظاهری یا تقدیری / فاعل، ضـمیر مسـتتر (أنت) در تقدیر {ما} مفعولٌ به، منصوب یا در محل نصب {تَعْبُدُونَ} فعل مضارع، مرفوع به ثبوت نون / (و) ضمیر متصل در محل رفع و فاعل

{وَلا} (و) حرف عطف / حرف نفی غیر عامـل {أَنْتُمْ} مبتـدا، مرفوع یـا در محـل رفع {عابِدُونَ} خبر، مرفوع یا در محل رفع {ما} مفعولٌ به، منصوب یا در محل نصب {أَعْبُدُ} فعل مضارع، مرفوع به ضمه ظاهری یا تقدیری / فاعل، ضمیر مستتر (أنا) در تقدیر

{وَلا} (و) حرف عطف / حرف مشبه بالفعل یا حرف نفی ناسخ {أَنا} مبتدا، مرفوع یا در محل رفع {عابِدٌ} خبر، مرفوع یا در محل رفع {ما} مفعولٌ به، منصوب یا در محل نصب {عَبَدْتُّمْ} فعل ماضـی، مبنی بر سکون / (ت) ضمیر متصل، در محل رفع و فاعل

{وَلا} (و) حرف عطف / حرف نفی غیر عامـل {أَنْتُمْ} مبتـدا، مرفوع یـا در محـل رفع {عابِدُونَ} خبر، مرفوع یا در محل رفع {ما} مفعولٌ به، منصوب یا در محل نصب {أَعْبُدُ} فعل مضارع، مرفوع به ضمه ظاهری یا تقدیری / فاعل، ضمیر مستتر (أنا) در تقدیر

{لَكُمْ} حرف جر و اسم بعـد از آن مجرور / خبـر مقـدّم محـذوف {دِينُكُمْ} مبتـدا مـؤخّر / (ك) ضـمیر متصـل در محل جر، مضاف الیه {وَلِيَ} (و) حرف عطف / حرف جر و اسم بعد از آن مجرور / خبر مقدّم محذوف {دِينِ} مبتدا مؤخّر / (ی) ضمیر متصل در محل جر، مضاف الیه

آوانگاری قرآن

.Bismi Allahi alrrahmani alrraheemi

Qul ya ayyuha alkafiroona.۱

La aAAbudu ma taAAbudoona.۲

Wala antum AAabidoona ma aAAbudu.۳

Wala ana AAabidun ma AAabadtum.۴

Wala antum AAabidoona ma aAAbudu.۵

Lakum deenukum waliya deeni.۶

ترجمه سوره

ترجمه فارسی استاد فولادوند

به نام خداوند رحمتگر مهربان

بگو: «ای کافران، (۱)

آنچه می پرستید، نمی پرستم. (۲)

و آنچه می پرستم، شما نمی پرستید. (۳)

و نه آنچه پرستیدید من می پرستم. (۴)

و نه آنچه می پرستم شما می پرستید. (۵)

دین شما برای خودتان، و دین من برای خودم.» (۶)

ترجمه فارسی آیت الله مکارم شیرازی

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر.

«۱» بگو: ای کافران!

«۲» آنچه را شما می پرستید من نمی پرستم!

«۳» و نه شما آنچه را من می پرستم می پرستید،

«۴» و نه من هرگز آنچه را شما پرستش کرده اید می پرستم،

«۵» و نه شما آنچه را که من می پرستم پرستش می کنید؛

«۶» [حال که چنین است] آیین شما برای خودتان، و آیین من برای خودم!

ترجمه فارسی حجت الاسلام والمسلمین انصاریان

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی.

بگو: ای کافران! (١)

آنچه را شما می پرستید، من نمی پرستم، (٢)

و نه شما آنچه را من می پرستم، می پرستید، (٣)

و نه من آنچه را شما پرستیده اید، می پرستم، (۴)

و نه شما آنچه را که من می پرستم، می پرستید. (۵)

دین شما برای خودتان، و دین من برای خودم. (۶)

ترجمه فارسی استاد الهی قمشه ای

بنام خداوند بخشنده مهربان

ای رسول ما بگو که ای کافران مشرک (١)

من آن بتان را که شما به خدائی می پرستید هرگز نمی پرستم (٢)

و شما هم آن خدای یکتائی که من پرستش می کنم پرستش نمی کنید (٣)

نه من هرگز خدایان باطل شما را عبادت می کنم (۴)

و نه شما یکتا خدای معبود مرا عبادت خواهید کرد (۵)

پس اینک دین شرک و جهل برای شما باشد و دین توحید و خداپرستی منهم برای من تا روزی که به امر حق شما را از شرک برگردانم و به راه توحید خدا و خداپرستی هدایت کنم (۶)

ترجمه فارسی حجت الاسلام والمسلمین قرائتی

به نام خداوند بخشنده ی مهربان.

بگو: ای کافران! (١)

من نمی پرستم آنچه شما می پرستید. (٢)

و نه شما می پرستید آنچه من می پرستم. (۳)

و نه من می پرستم آنچه را شما پرستش کرده اید. (۴)

و نه شما می پرستید آنچه را من می پرستم. (۵)

(حال که چنین است) آیین شما برای خودتان و آیین من برای خودم. (۶)

ترجمه فارسی استاد مجتبوی

به نام خدای بخشاینده مهربان

بگو: ای کافران، (۱)

نمی پرستم آنچه را که شما می پرستید. (۲)

و نه شما پرستنده اید آنچه را که من می پرستم، (۳)

و نه من پرستنده ام آنچه را که شما پرستیده اید، (۴)

و نه شما پرستنده اید آنچه را که من می پرستم. (۵)

شما راست دین شما و مراست دین من - یعنی نه من در عبادت بتها و خدایان ساختگی با شما هماهنگ خواهم شد و نه شما توفیق پرستش خدای یکتای سزاوار پرستش را خواهید داشت -. (۶)

ترجمه فارسی استاد آیتی

به نام خدای بخشاینده مهربان

بگو: ای کافران، (۱)

من چیزی را که شما می پرستید نمی پرستم. (۲)

و شما نیز چیزی را که من می پرستم نمی پرستید. (۳)

و من پرستنده چیزی که شما می پرستید نیستم. (۴)

و شما پرستنده چیزی که من می پرستم نیستید. (۵)

شما را دین خود، و مرا دین خود. (۶)

ترجمه فارسی استاد خرمشاهی

به نام خداوند بخشنده مهربان

بگو هان ای کافران (۱)

من معبود شما را نمی پرستم (۲)

و شما هم پرستندگان معبود من نیستید (۳)

و من پرستنده آنچه شما می پرستید نیستم (۴)

و شما هم پرستندگان معبود من نیستید (۵)

شما را دین شما، و مرا دین من (۶)

ترجمه فارسی استاد معزی

بنام خداوند بخشاینده مهربان

بگو ای گروه کافران (۱)

نپرستم آنچه را پرستید (۲)

و نه شما پرستندگانید آنچه را پرستم (۳)

و نه منم پرستنده آنچه پرستش کردید (۴)

و نه شما پرستندگانید آنچه را پرستم (۵)

شما را است دینتان و مرا است دینم (۶)

ترجمه انگلیسی قرائی

.In the Name of Allah, the All-beneficent, the All-merciful

!Say, 'O faithless ones ۱

۲ I do not worship what you worship,

۳ nor do you worship what I worship;

۴ nor will I worship what you have worshiped

۵ nor will you worship what I worship.

۶ To you your religion, and to me my religion.'

ترجمه انگلیسی شاکر

(۱) Say: O unbelievers!)

(۲) I do not serve that which you serve,)

(۳) Nor do you serve Him Whom I serve:)

(۴) Nor am I going to serve that which you serve,)

(۵) Nor are you going to serve Him Whom I serve:)

(۶) You shall have your religion and I shall have my religion.)

ترجمه انگلیسی ایروینگ

In the name of God, the Mercy-giving, the Merciful!

(۱) SAY: "O disbelievers!

(۲) I do not serve what you serve

(۳) nor are you serving what I serve!

(۴) I will not worship what you have worshipped,

(۵) neither will you worship what I worship.

(۶) You have your religion while I have my religion."

ترجمه انگلیسی آربری

In the Name of God, the Merciful, the Compassionate

(Say: `O unbelievers, (۱

(I serve not what you serve (۲

(and you are not serving what I serve, (۳

(nor am I serving what you have served, (۴

(neither are you serving what I serve. (۵

(To you your religion, and to me my religion!' (۶

ترجمه انگلیسی پیکتال

.In the name of Allah, the Beneficent, the Merciful

(Say: O disbelievers! (۱

(I worship not that which ye worship; (۲

(Nor worship ye that which I worship. (۳

(And I shall not worship that which ye worship. (۴

(Nor will ye worship that which I worship. (۵

(Unto you your religion, and unto me my religion. (۶

ترجمه انگلیسی یوسفعلی

.In the name of Allah Most Gracious Most Merciful

(Say: O ye that reject Faith! (۱

(I worship not that which ye worship (۲

۳) Nor will ye worship that which I worship.)

۴) And I will not worship that which ye have been wont to worship)

۵) Nor will ye worship that which I worship.)

۶) To you be your Way and to me mine.)

ترجمه فرانسوی

Au nom d'Allah, le Tout Miséricordieux, le Très Miséricordieux.

۱. Dis: ‹ش vous les infidèles!

۲. Je n'adore pas ce que vous adorez.

۳. Et vous n'êtes pas adorateurs de ce que j'adore.

۴. Je ne suis pas adorateur de ce que vous adorez.

۵. Et vous n'êtes pas adorateurs de ce que j'adore.

۶. A vous votre religion, et à moi ma religion›.

ترجمه اسپانیایی

۱. Di: «¡Infieles!

۲. Yo no sirvo lo que vosotros servís,

۳. Y vosotros no servís lo que yo sirvo.

۴. Yo no sirvo lo que vosotros habéis servido

۵. Y vosotros no servís lo que yo sirvo.

۶. Vosotros tenéis vuestra religión y yo la mía».

ترجمه آلمانی

Im Namen Allahs, des Gnنdigenِ, des Barmherzigen.

۱. Sprich: «O ihr Unglنubigen!

۲. Ich verehre nicht das, was ihr verehret,

۳. Noch verehrt ihr das, was ich verehre.

۴. Und ich will das nicht verehren, was ihr verehret;

۵. Noch wollt ihr das verehren, was ich verehre.

۶. Euch euer Glaube, und mir mein Glaube.»

ترجمه ایتالیایی

In nome di Allah, il Compassionevole, il Misericordioso

۱. Di': " O miscredenti!

۲. Io non adoro quel che voi adorate

۳. e voi non siete adoratori di quel che io adoro.

۴. Io non sono adoratore di quel che voi avete adorato

۵. e voi non siete adoratori di quel che io adoro:

۶. a voi la vostra religione, a me la mia".

ترجمه روسی

Во имя Аллаха Милостивого, Милосердного!

۱. Скажи: "О вы неверный!

۲. Я не стану поклоняться тому, чему вы будете поклоняться,

۳. и вы не поклоняйтесь тому, чему я буду поклоняться.

۴. и я не поклоняюсь тому, чему вы поклонялись,

۵. и вы не поклоняетесь тому, чему я буду поклоняться!

۶. У вас – ваша вера, и у меня – моя вера!"

ترجمه ترکی استانبولی

Rahman ve rahîm Allah adiyle.

۱- De ki: Ey kâfirler.

۲- Tapmam sizin taptklarnza.

۳- Ve siz de tapmazsnz benim taptًma.

۴- Ve ne ben taparm sizin taptklarnza.

۵- Ve ne siz taparsnz benim taptًma.

۶- Size, sizin dîniniz, bana, benim dînim.

ترجمه آذربایجانی

Mərhəmətli, rəhmli Allahın adı ilə!

۱. (Ya Peyğəmbər! Sənə – bir il bizim bütlərimizə ibadət et, bir il də biz sənin Rəbbinə ibadət edək – deyən müşriklərə) de: "Ey kafirlər!

۲. Mən sizin ibadət etdiklərinizə (bütlərə) ibadət etmərəm!

۳. Siz də mənim ibadət etdiyimə (Allaha) ibadət etməzsiniz!

۴. Mən sizin ibadət etdiklərinizə ibadət edən deyiləm!

۵. Siz də mənim ibadət etdiyimə ibadət edən deyilsiniz!

۶. Sizin öz dininiz var, mənim də öz dinim! (Elə isə sizin dininiz sizə, mənim dinim də mənə)!"

ترجمه اردو

شروع خدا کا نام ل□ کر جو ب□ا م□ربان ن□ایت رحم والا □□

١. (ا□ پیغمبر ان منکران اسلام س□) ک□□ دو ک□ ا□ کافرو!

٢. جن (بتو□) کو تم پوجت□ □و ان کو می□ ن□ی□ پوجتا

٣. اور جس (خدا) کی می□ عبادت کرتا □و□ اس کی تم عبادت ن□ی□ کرت□

۴. اور(می□ پ□ر ک□تا □و□ ک□) جن کی تم پرستش کرت□ □و ان کی می□ پرستش کرن□ والا ن□ی□ □و□

۵. اور ن□ تم اس کی بندگی کرن□ وال□ (معلوم □وت□) □و جس کی می□ بندگی کرتا □و□

۶. تم اپن□ دین پر می□ اپن□ دین پر

ترجمه پشتو

١. شروع کوم د الله په نامه چ□ □□ر زیات مهربانه او پوره رحم لرونک□ د□. ووایه (ا□ محمده!) ا□ کافرانو!

٢. زۀ د هغه شی عبادت نه کوم چ□ تاسو ی□ عبادت کوئ

٣. او نه تاسو عبادت کوئ د هغه □ه چ□ زۀ ی□ عبادت کوم

۴. او نه زۀ د هغه شی عبادت کوم چ□ تاسو ی□ عبادت ک□□ د□.

۵. او نه تاسو د هغه شی عبادت کوئ چ□ زۀ ی□ عبادت کوم

۶. تاسو لره خپل دین د□ او ما لره خپل دین.

ترجمه کردی

١. Bi navê Yezdanê Dilovan ê Dilovîn (Muhemmed! tu ji bona wan ra aha) bêje; " gelî filan!"

٢. Tişta, ku hûn jê ra perestî dikin ez ji bona wî ra perestî nakim.

٣. Û hûn jî tişta,ku ez jê ra perestî dikim perestok nînin.

۴. Û ez bi xweber jî perestokê wî tişta, ku hûn jê ra perestî dikin nînim.

۵. Û hûn bi xweber jî qe perestokê wî tişta, ku ez ji wî ra perestî dikim nînin.

۶. Ola we ji bona we ran e û ola min jî ji bona min ran e.

ترجمه اندونزی

۳) Dan kamu bukan penyembah Tuhan yang aku sembah.

۱) Dan aku tidak pernah menjadi penyembah apa yang kamu sembah.(۴)

۲) Dan kamu tidak pernah (pula) menjadi penyembah Tuhan yang aku sembah.(۵)

۳) Untukmulah agamamu dan untukkulah agamaku".(۶)

۴) Dengan menyebut nama Allah Yang Maha Pemurah

۵) lagi Maha Penyayang.

۶) Apabila telah datang pertolongan Allah dan kemenangan.(۱)

ترجمه مالیزیایی

Dengan nama Allah, Yang Maha Pemurah, lagi Maha Mengasihani

۱) Katakanlah (wahai Muhammad): "Hai orang-orang kafir!

۲) "Aku tidak akan menyembah apa yang kamu sembah.

۳) "Dan kamu tidak mahu menyembah (Allah) yang aku sembah.

۴) "Dan aku tidak akan beribadat secara kamu beribadat.

۵) "Dan kamu pula tidak mahu beribadat secara aku beribadat.

۶) "Bagi kamu ugama kamu, dan bagiku ugamaku".

ترجمه سواحیلی

Kwajina la Mwenyeezi Mungu, Mwingi wa rehema, Mwenye kurehemu

۱. Sema: Enyi makafiri.

۲. Siabudu mnachoabudu.

۳. Wala nyinyi hamuabudu ninayemwabudu.

۴. Wala sitaabudu mnachoabudu.

۵. Wala nyinyi hamtaabudu ninayemwabudu.

۶. Nyinyi mtapata malipo yenu nami nitapata malipo yangu.

تفسیر سوره

تفسیر المیزان

صفحه ی ۶۴۴

(۱۰۹) سوره کافرون مکی است و شش آیه دارد. (۶)

[سوره الکافرون (۱۰۹): آیات ۱ تا ۶] ترجمه آیات به نام اللَّه بخشنده به عموم، و مهربان به خواص.

بگو هان گروه کفر پیشه! (۱).

من نمی پرستم آنچه را که شما می پرستید (۲).

و شما هم نخواهید پرستید آنچه را که من می پرستم (۳).

من نیز برای همیشه نخواهم پرستید آنچه را شما می پرستید (۴).

و شما هم نخواهید پرستید آنچه را من می پرستم (۵).

دین شما برای خودتان و دین من هم برای خودم (۶).

بیان آیات در این سوره رسول خدا (ص) را دستور می دهد به اینکه برائت خود از کیش وثنیت آنان را علنا اظهار داشته، خبر دهد که آنها نیز پذیرای دین وی نیستند، پس نه دین او مورد استفاده ایشان قرار می گیرد، و نه دین آنان آن جناب را مجذوب خود می کند، بنا بر این نه کفار می پرستند آنچه را که آن جناب می پرستد، و نه تا ابد آن جناب

صفحه ی ۶۴۵

می پرستد آنچه را که ایشان می پرستند، پس کفار باید برای ابد از سازشکاری و مداهنه آن جناب مایوس باشند.

مفسـرین در اینکه این سوره مورد بحث مکی است و یا مدنی اختلاف کرده اند، و از ظاهر سیاقش بر می آید که در مکه نازل شده باشد.

[بیان اینکه خطاب در" یا أَیُّهَا الْکافِرُونَ ..." به گروهی معهود و معین از کفار بوده و" وَ لا أَنْتُمْ عابِدُونَ ما أَعْبُدُ"

اخبار غیبی از آینده است

" قُلْ یا أَیُّهَا الْکافِرُونَ" ظاهرا خطاب به یک طبقه معهود و معین از کفار است، نه تمامی کفار، به دلیل اینکه رسول خدا (ص) را مامور کرده از دین آنان بیزاری جوید و خطابشان کند که شما هم از پذیرفتن دین من امتناع می ورزید «۱».

" لا أَعْبُدُ ما تَعْبُدُونَ" از این آیه تا آخر سوره آن مطلبی است که در جمله" قُلْ یا أَیُّهَا الْکافِرُونَ" مامور به گفتن آن است، و مراد از" ما تَعْبُدُونَ" بت هایی است که کفار مکه می پرستیدند، و مفعول" تعبدون" ضمیری است که به مای موصول بر می گردد، و با اینکه می توانست بفرماید:" ما تعبدونه" اگر ضمیر را حذف کرده برای این بود که کلام دلالت بر آن می کرده، حذف کرد تا قافیه آخر آیات هم درست در آید، و عین این سؤال و جواب در جمله های" اعبد" و" عبدتم" و" اعبد" می آید چون در آنها هم باید می فرمود:" اعبده" و" عبدتموه" و" اعبده".

و جمله" لا اعبد" نفی استقبالی است، برای اینکه حرف" لا" مخصوص نفی آینده است، هم چنان که حرف" ما" برای نفی حال است، و معنای آیه این است که من ابدا نمی پرستم آنچه را که شما بت پرستان امروز می پرستید.

" وَ لا أَنْتُمْ عابِدُونَ ما أَعْبُدُ" این جمله نیز نفی استقبالی نسبت به پرستش کفار بر معبود رسول خدا (ص) است، و این خبری غیبی از این معنا است که کفار معهود، در آینده نیز به دین توحید در نمی آیند.

این دو آیه با انضمام امر" قل" که در آغاز سوره است، این معنا را به دست می دهد که گویا رسول خدا (ص)

به کفار فرموده:" پروردگار من مرا دستور داده به اینکه به طور دائم او را بپرستم، و اینکه به شما خبر دهم که شما هرگز و تا ابد او را

---

(۱) و با اینکه می بینیم در این چهارده قرن میلیونها کافر به دین اسلام در آمدند، می فهمیم که خطاب در آیه به طبقه معینی از کفـار است." مـترجم".

نمی پرستید، پس تا ابد اشتراکی بین من و شما در دین واقع نخواهد شد".

بنا بر این آیه شریفه در معنای آیه" لَقَدْ حَقَّ الْقَوْلُ عَلى أَكْثَرِهِمْ فَهُمْ لا يُؤْمِنُونَ" «۱»، و آیه شریفه زیر است که می فرماید:" إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَواءٌ عَلَيْهِمْ أَ أَنْذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنْذِرْهُمْ لا يُؤْمِنُونَ" «۲».

در آیه مورد بحث جا داشت بفرمایـد:" و لا انتم عابدون من اعبد- و شـما نخواهید پرستید کسـی را که من می پرسـتم"، چون بین معبود رسول خدا (ص) و معبود بت پرسـتان فرق بسیار است، یکی این است که معبود بت پرستان جماد و بی شعور است، و موصولی که از آن تعبیر می کند موصول مخصوص بی شـعوران یعنی کلمه" ما" است، و موصول مخصوص صاحبان شعور کلمه" من- کسـی که" است، پس چرا در آیه مـورد بحث بجـای این کلمه، کلمه" مـا" را بکـار برده؟ پاسـخش این است که منظور صرفا مطابقت این آیه با آیه" لا أَعْبُدُ ما تَعْبُدُونَ" است.

[وجه تکرار مضمون سابق در" وَ لا أَنا عابِدٌ ما عَبَدْتُّمْ وَ لا أَنْتُمْ عابِدُونَ ما أَعْبُدُ"]

" وَ لا أَنا عابِدٌ ما عَبَدْتُّمْ وَ لا أَنْتُمْ عابِدُونَ ما أَعْبُدُ" این دو آیه تکرار مضـمون دو آیه قبل است که به منظور تاکید آن تکرار شده، نظیر تکراری که در

آیه" كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ" «۳» آمده، و نیز تکراری که در آیه" فَقُتِلَ كَيْفَ قَدَّرَ ثُمَّ قُتِلَ كَيْفَ قَدَّرَ" «۴» آمده است.

بعضی «۵» از مفسرین در توجیه اینکه چرا بین دو موصول فرق نگذاشت، گفته اند: اصلا کلمه" ما" در دو جمله" ما عَبَدْتُّمْ" و" ما أَعْبُدُ" موصوله نیست، بلکه مصدریه است، و معنای آیه این است که:" من نحوه پرستش شما را نخواهم پرستید، و شما نحوه پرستش مرا نخواهید پرستید"، و خلاصه نه من شریک شما در پرستش هستم و نه شما شریک منید، نه در عبادت مشترکیم و نه در معبود، چون معبود من خدای تعالی است، و معبود شما بت است، عبادت من ___

(۱) عذاب خدا بر آنان حتمی شده، در نتیجه دیگر ایمان نخواهند آورد. سوره یس، آیه ۷.

(۲) کسانی که کافر شدند چه انذارشان بکنی و چه نکنی برایشان یکسان است، چون ایمان نخواهند آورد. سوره بقره، آیه ۶.

(۳) چنین نیست که شما خیال می کنید به زودی خواهید دانست. باز چنان نیست که شما می پندارید به زودی خواهید دانست. سوره تکاثر، آیه ۳ و ۴).

(۴) مرگ بر او باد چگونه مطلب را آماده کرد. باز هم مرگ بر او باد چگونه مطلب را آماده کرد.

سوره مدثر، آیه ۱۹ و ۲۰.

(۵) مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۵۵۲.

عبادتی است که خدا تشریعش کرده، و عبادت شما چیزی است که خودتان از در جهل و افتراء بدعت نهاده اید، و بنا بر این توجیه، دو آیه مورد بحث تکرار و تاکید دو آیه قبل نیستند، ولی عیبی که در این توجیه است، این است که از نظر

عبارت آیه بعید به ذهن می رسد، و ان شاء اللَّه در بحث روایتی آینده وجهی لطیف برای تکرار دو آیه خواهد آمد.

[بیان اینکه آیه:" لَکُمْ دِینُکُمْ وَ لِیَ دِینِ" اخبار از اینست که کافران مخاطب پیامبر (صلّی الله علیه وآله وسلّم) به دین او نخواهند گروید. چند وجه دیگر در معنای این آیه

" لَکُمْ دِینُکُمْ وَ لِیَ دِینِ" این آیه به حسب معنا تاکید مطلب گذشته، یعنی مشترک نبودن پیامبر و مشرکین است، و لام در" لکم" و در" لی" لام اختصاص است، می فرماید: دین شما که همان پرستش بت ها است مخصوص خود شما است، و به من تعدی نمی کند، و دین من نیز مخصوص خودم است، شما را فرا نمی گیرد.

در اینجا ممکن است به ذهن کسی برسد که این آیه مردم را در انتخاب دین آزاد کرده، می فرماید هر کس دلش خواست دین شرک را انتخاب کند، و هر کس خواست دین توحید را برگزیند. و یا به ذهن برسد که آیه شریفه می خواهد به رسول خدا (ص) دستور دهد که متعرض دین مشرکین نشود. و لیکن معنایی که ما برای آیه کردیم این توهم را دفع می کند، چون گفتیم آیه شریفه در مقام این است که بفرماید شما به دین من نخواهید گروید و من نیز به دین شما نخواهم گروید، و اصولا دعوت حقه ای که قرآن متضمن آن است، این توهم را دفع می کند.

بعضی «۱» از مفسرین برای دفع این توهم گفته اند: کلمه" دین" در آیه شریفه به معنای مذهب و آئین نیست، بلکه به معنای جزا است می فرماید: جزای شما مال شما، و جزای من از آن من است.

بعضی «۲»

دیگر گفته اند: در این آیه مضافی حذف شده، و تقدیرش " لکم جزاء دینکم ولی جزاء دینی " می باشد، یعنی جزای دین شما مال شما، و جزای دین من مال من. ولی این دو وجه دور از فهم است.

بحث روایتی [(روایتی در باره شان نزول سوره کافرون و روایتی راجع به تکرار یک مضمون در سوره)]

در الدر المنثور آمده که ابن جریر، ابن ابی حاتم، و ابن انباری در کتاب

(۱ و ۲) مجمع البیان، ج ۳۰، ص ۵۵۲.

" المصاحف "، از سعید بن میناء مولای ابی البختری روایت کرده اند که گفت: ولید بن مغیره و عاصی بن وائل و اسود بن مطلب و امیه بن خلف رسول خدا (ص) را دیدند و گفتند: ای محمد بیا خدایانمان را روی هم بریزیم، ما خدای تو را بپرستیم و تو خدایان ما را در نتیجه غائله و کدورت بین ما بر طرف شود، همه در پرستش معبودها مشترک باشیم، و بالأخره یا معبود ما حق است و یا معبود تو، اگر معبود ما حق و صحیح تر بود سر تو بی کلاه نمانده، و از عبادت آنها حظی برده ای، و اگر معبود تو حق و صحیح تر از معبود ما باشد سر ما بی کلاه نمانده، از پرستش او بهره مند شده ایم. در پاسخ این پیشنهاد خدای تعالی این سوره را نازل کرد که بگو: هان ای کفار! من هرگز نمی پرستم آنچه را که شما می پرستید، تا آخر سوره «۱».

مؤلف: مرحوم شیخ در امالی به سند خود از میناء از عده ای از اصحاب امامیه قریب به این معنا را روایت کرده «۲».

و در تفسیر قمی از پدرش از ابن

ابی عمیر روایت کرده که گفت: ابو شاکر از ابی جعفر احول از سوره مورد بحث سؤال کرد، که مگر یک سخنگوی حکیم اینطور حرف می زند که در یک سطر مطلبی را دو بار بگوید و تکرار کند؟ ابی جعفر احول جوابی از این اشکال نداشت.

ناگزیر به طرف مدینه روان شد، و در مدینه از امام صادق (ع) پرسید حضرت فرمود: سبب نزول این سوره و تکرار مطلبش این بود که قریش به رسول خدا (ص) پیشنهاد کرده بود، بیا تا بر سر پرستش خدایان مصالحه ای کنیم، یک سال تو خدایان ما را عبادت کن و یک سال ما خدای تو را، باز یک سال تو خدایان ما را عبادت کن و یک سال ما خدای تو را، خدای تعالی در پاسخشان عین سخن آنان را یعنی تکرار مطلب را بکار برد، آنها گفته بودند یک سال تو خدایان ما را عبادت کن در پاسخ فرمود: " لا أَعْبُدُ ما تَعْبُدُونَ"، آنها گفته بودند" و یک سال ما خدای تو را"، در پاسخ فرمود" وَ لا أَنْتُمْ عابِدُونَ ما أَعْبُدُ"، آنها گفته بودند" باز یک سال تو خدایان ما را عبادت کن" در پاسخ فرمود:" وَ لا أَنا عابِدٌ ما عَبَدْتُّمْ"، آنها گفته بودند" و یک سال ما خدای تو را" در پاسخشان فرمود:" وَ لا أَنْتُمْ عابِدُونَ ما أَعْبُدُ لَكُمْ دِينُكُمْ وَ لِيَ دِينِ".

---

(۱) الدر المنثور، ج ۶، ص ۴۰۴.

(۲) نور الثقلین، ج ۵، ص ۶۸۸، به نقل از امالی شیخ طوسی.

ابو جعفر احول وقتی این پاسخ را شنید نزد ابی شاکر رفت، و جواب را بدو گفت، ابو شاکر گفت: این

جواب مـال تو نیست این را شتر از حجاز بـدینجا حمل کرده «۱»، (یعنی تو نزد جعفر بن محمـد رفته ای و پاسـخ را از او گرفته ای).

مؤلف: مفـاد تکرار در کلاـم قریش این است که بیـا تـا به آخر عمر یـک سـال تو خـدایان مـا را و یـک سـال مـا خـدای تو را بپرستیم.

---

(۱) تفسیر قمی، ج ۲، ص ۴۴۵.

تفسیر نمونه

در روایات آمده است که این سوره در باره گروهی از سران مشرکان قریش نازل شده ، مانند ولید بن مغیره و عاص بن وائل و حارث بن قیس و امیه بن خلف و... گفتنـد: ای محمد! تو بیا از آئین ما پیروی کن ، ما نیز از آئین تو پیروی می کنیم ، و تو را در تمام امتیازات خود شـریک می سازیم ، یکسال تو خدایان ما را عبادت کن ! و سال دیگر ما خدای تو را عبادت می کنیم ، اگر آئین تو بهـتر باشـد مـا در آن بـا تو شـریک شـده ایم ، و بهره خود را گرفته ایم ، و اگر آئین مـا بهـتر باشـد تو در آئین ما شریک شده و بهره ات را از آن گرفته ای ! پیغمبر (صـلی اللّه علیه و آله و سـلّم) فرمود: پناه بر خدا که من چیزی را همتای او قرار دهم ! گفتنـد: لاـ اقـل بعضـی از خـدایان ما را لمس کن و از آنها تبرک بجوی ما تصـدیق تو می کنیم و خـدای تو را می پرستیم !

پیامبر (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) فرمود: من منتظر فرمان پروردگارم هستم .

در این هنگام سوره ((قل یا

ایها الکافرون)) نازل شد، و رسول الله به مسجدالحرام آمد، در حالی که جمعی از سران قریش در آنجا جمع بودند بالای سر آنها ایستاد، و این سوره را تا آخر بر آنها خواند آنها وقتی پیام این سوره را شنیدند کاملا ماءیوس شدند، و حضرت و یارانش را آزار دادند. <۵>

سوره کافرون

مقدمه

این سوره در مکه نازل شده و دارای ۶ آیه است.

محتوی و فضیلت سوره ((کافرون))

این سوره در ((مکه)) نازل شده ، و لحن و محتوای آن گواه روشنی بر این معنی است ، همچنین شاءن نزولی که به خواست خدا بعدا به آن اشاره می شود دلیل دیگری بر این مدعا است ، و اینکه بعضی احتمال داده اند مدنی باشد بسیار بعید به نظر می رسد.

لحن سوره نشان می دهد در زمانی نازل شده که مسلمانان در اقلیت بودند و کفار در اکثریت ، و پیغمبر اکرم (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) از ناحیه آنها سخت در فشار بود، و اصرار داشتند او را به سازش با شرک بکشانند، پیامبر (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) دست رد بر سینه همه آنها می زند، و آنها را به کلی ماءیوس می کند، بدون آنکه بخواهد با آنها درگیر شود.

این سرمشقی است برای همه مسلمانان که در هیچ شرائطی در اساس دین و اسلام با دشمنان سازش نکنند، و هر وقت چنین تمنائی از ناحیه آنها صورت گیرد آنها را کاملا ماءیوس کنند، مخصوصا در این سوره دو بار این معنی تاءکید شده که من معبودهای شما را نمی پرستم و این تاءکید برای

مـاءیوس ساختن آنها است ، همچنین دوباره تاءکیـد شـده که شـما هرگز معبود من ، خـدای یگانه را نمی پرستیـد و این دلیلی است بر لجاجت آنها، و سرانجامش این است که من و آئین توحیدیم ، و شما و آئین پوسیده شرک آلودتان !

درباره فضیلت این سوره روایات فراوانی نقل شده که حاکی از اهمیت فوق العاده محتوای آن است از جمله :

در حدیثی (از پیغمبر اکرم (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) نقل شده که فرمود: من قراء قل یا

ایهـا الکـافرون فکانما قراء ربع القرآن و تباعـدت عنه مرده الشـیاطین ، و براء من الشـرک ، و یعافی من الفزع الاکبر: کسـی که سوره قل یا ایها الکافرون را بخوانـد گوئی ربع قرآن را خوانـده ، و شـیاطین طغیانگر از او دور می شوند، و از شـرک پاک می گردد، و از فزع (روز قیامت) در امان خواهد بود. <۱>

تعبیر به ((ربع القرآن)) شایـد به خاطر آن است که حدود یک چهارم قرآن مبارزه با شـرک و بت پرستی است ، و عصاره آن در این سوره آمده است ، و دور شدن شـیاطین سـرکش به خاطر آن است در این سوره دست رد بر سینه مشرکان زده شده ، و می دانیم شرک مهمترین ابزار شیطان است .

نجات در قیامت نیز در درجه اول در گرو توحید و نفی شرک است ، همان مطلبی که این سوره بر محور آن دور می زند.

در حدیث دیگری از پیغمبر اکرم (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) می خوانیم : مردی خدمتش آمد عرض کرد ای رسول خدا!

برای این آمده ام که چیزی به من یاد دهی که به هنگام خواب بخوانم ، فرمود: اذا اخذت مضـجعک فاقراء قل یا ایها الکافرون ثم نم علی خاتمتهـا فانهـا براءه من الشـرک : هنگـامی که به بستر رفتی سوره یا ایها الکافرون را بخوان ، بعـد از آن بخواب که این بیزاری از شرک است . <۲> و نیز در روایتی از رسول خدا (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) آمده است که به جبیر بن مطعم فرمود: آیـا دوست داری هنگـامی که به سـفر میروی از بهترین یـارانت از نظر زاد و توشه باشـی ؟ گفت : آری پـدرم و مادرم فدایت ای رسول خدا!

فرمود: این پنـج سوره را بخوان : ((قـل یا ایها الکافرون))، و ((اذا جاء نصـر الله و الفتـح))، و ((قل هو الله احـد))، و ((قل اعوذ برب الفلق ،)) و ((قل اعوذ برب

الناس))، و قرائت خود را با ((بسم الله الرحمن الرحیم)) آغاز کن . <۳>

و در حـدیثی از امـام صـادق (علیه السـلام) می خوانیم که می فرمود: پـدرم می گفت قـل یا ایها الکافرون ربع قرآن است ، و هنگامی که از آن فراغت می یافت می فرمود: اعبـدالله وحـده ، اعبـدالله وحده : من تنها خدا را عبادت می کنم من تنها خدا را عبادت می کنم . <۴>

تفسیر :

هرگز با بت پرستان سر سازش ندارم

آیات این سوره پیغمبر اکرم (صـلی اللّه علیه و آله و سـلّم) را مخاطب ساخته ، می فرماید: بگو ای کافران (قل یا ایها الکافرون).

آنچه را شما می پرستید نمی

پرستم (لا اعبد ما تعبدون).

و نه شما آنچه را من پرستش می کنم می پرستید (و لا انتم عابدون ما اعبد).

به این ترتیب جدائی کامل خط خود را از آنها مشخص می کند، و با صراحت می گوید: من هرگز بت پرستی نخواهم کرد، و شما نیز با این لجاجت که دارید و با تقلید کورکورانه از نیاکان که روی آن اصرار می ورزید و با منافع نامشروع سرشاری که از بت پرستان عائد شما می شود هرگز حاضر به خداپرستی خالص از شرک نیستید.

بار دیگر برای ماءیوس کردن کامل بت پرستان از هر گونه سازش بر سر توحید و بت پرستی می افزاید: ((و نه من هرگز آنچه را شما پرستش کرده اید می پرستم (و لا انا عابد ما عبدتم).

((و نه شما آنچه را که من می پرستم عبادت می کنید)) (و لا انتم عابدون ما اعبد).

بنابراین اصرار بی جا در مصالحه بر سر مساءله بت پرستی نکنید که این امر غیر ممکن است .

حال که چنین است آئین شما برای خودتان و آئین من برای خودم (لکم دینکم و لی دین).

بسیاری از مفسران تصریح کرده اند که منظور از کافرون در اینجا گروه خاصی از سران بت پرستان مکه اند، بنابر این الف و لام در الکافرون به اصطلاح برای عهد است ، نه برای جمع .

ممکن است دلیل آنها بر این مطلب علاوه بر آنچه در شاءن نزول گفته شد این باشد که بسیاری از بت پرستان مکه سرانجام ایمان آوردند، بنابراین اگر می گوید نه شما معبود مرا عبادت می کنید و نه من معبود شما

را حتما در مورد آن گروهی از سران شرک و کفر است که تا پایان عمر هرگز ایمان نیاوردند و گرنه بسیاری از مشرکان به هنگام فتح مکه فوج فوج وارد اسلام شدند.

در اینجا چند سؤ ال مطرح است که باید به آن پاسخ گفت :

۱ - چرا سوره با فرمان قل بگو شروع شده است :

آیا بهتر این نبود گفته شود یا ایها الکافرون بدون اینکه قل در آغاز آن باشد؟ و به تعبیر دیگر: پیغمبر (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) باید دستور خداوند را اجرا کند و جمله یا ایها الکافرون را به آنها بگوید: نه اینکه جمله قل را نیز تکرار کند.

پاسخ این سؤ ال با توجه به محتوای سوره روشن است ، زیرا مشرکان عرب پیغمبر اکرم (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) را دعوت به سازش بر سر بتها کرده بودند. و او می بایست این

مطلب را از خود نفی کند، و بگوید: من هرگز تسلیم شما نمی شوم ، و عبادتم را با شرک آلوده نمی کنم اگر کلمه قل در آغاز این سوره نباشد سخن سخن خدا خواهد شد، و در این صورت جمله لا اعبد ما تعبدون (من آنچه را شما عبادت می کنید نمی پرستم) و امثال آن مفهومی نخواهد داشت .

بعلاوه چون کلمه قل در پیام جبرئیل از سوی خدا بوده ، پیغمبر اکرم (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) مؤ ظف است که برای حفظ اصالت قرآن آن را عینا بازگو کند، و این خود نشان می دهد که جبرئیل و رسول اکرم (صلی اللّه علیه

و آله و سلّم) در نقـل وحی الهی کمترین تغییری نـداده انـد، و عملا ثابت کرده انـد ماءمورانی هسـتند گوش بر فرمان الهی ، همانگونه که در آیه ۱۵ سوره یونس می خوانیم : قـل مـا یکون لی ان ابـدله من تلقاء نفسـی ان اتبع الا ما یوحی الی : بگو من حق ندارم که قرآن را از پیش خود تغییر دهم من فقط از چیزی پیروی می کنم که بر من وحی می شود.

۲ - مگر بت پرستان منکر خدا بودند؟

می دانیم بت پرستان هرگز خدا را انکار نمی کردند، و طبق صـریح آیات قرآن اگر از خالق آسمان و زمین از آنها سؤ ال می شد می گفتند: خدا است :

و لئن سالتهم من خلق السموات و الارض لیقولن الله (لقمان ۲۵).

پس چگونه در این سوره می گوید: نه من معبود شما را می پرستم و نه شما معبود مرا؟

پاسخ این سؤ ال نیز با توجه به اینکه بحث از مساءله خلقت نیست ، بلکه از مساءله عبادت است ، روشن می شود، بت پرسـتان خالق جهان را خدا می دانستند، ولی معتقد بودند باید بتها را عبادت کرد، تا آنها واسطه در درگاه خدا شوند، یا اینکه اصلا ما لایق این نیستیم که خدا را پرستش کنیم ، بلکه باید بتهای

جسـمانی را پرستش کنیم ، اینجاست که قرآن قلم سرخ بر اوهام و پندارهای آنها می کشد، و می گوید عبادت باید فقط برای خدا باشد، نه بتها، و نه هر دو!

۳ - این تکرار برای چیست ؟

در اینکه آیا تکرار نفی عبادت بتها از ناحیه پیغمبر (صلی اللّه علیه

و آله و سلّم) و نفی عبادت خدا از ناحیه مشرکان ، برای چیست ؟ گفتگو بسیار است .

جمعی معتقدند که این تکرار برای تاءکید و ماءیوس کردن کامل مشرکان ، و جدا نمودن مسیر آنها از مسیر اسلام است ، و اثبات عدم امکان سازش میان توحید و شرک می باشد، و به تعبیر دیگر چون آنها در دعوت پیغمبر اکرم (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) به سوی شرک اصرار می ورزیدند و تکرار می کردند قرآن نیز رد آنها را تکرار می کند.

در حدیثی آمده است که ابوشاکر دیصانی (یکی از زنادقه عصر امام صادق (علیه السلام) از یکی از یاران امام صادق بنام ابوجعفر احول (محمد بن علی نعمانی کوفی معروف به مؤ من طاق) از دلیل تکرار این آیات سؤ ال کرد و گفت آیا شخص حکیم ممکن است این چنین تکراری در کلامش باشد؟

ابوجعفر احول چون در اینجا پاسخی نداشت وارد مدینه شد خدمت امام صادق (علیه السلام) رسید، و در این باره سؤ ال کرد، امام (علیه السلام) فرمود: سبب نزول این آیات و تکرار آن این بود که قریش به رسول خدا پیشنهاد کردند که یک سال تو خدایان ما را بپرست ، سال دیگر ما خدای تو را می پرستیم ، و همچنین سال بعد تو خدایان ما را بپرست و سال دیگر (سال چهارم) ما خدای تو را می پرستیم ، آیات فوق نازل شد و تمام این پیشنهادها را نفی کرد.

هنگامی که ابوجعفر ((احول)) این پاسخ را برای ((ابوشاکر)) بیان کرد

او گفت :

هذا ما حمله الابل من الحجاز!: این باری است که شتران از حجاز آورده اند <۶> اشاره به اینکه سخن تو نیست و گفتار امام صادق (علیه السلام) است).

بعضی دیگر گفته اند: این تکرار به خاطر این است که یکی ناظر به حال می باشد و دیگری ناظر به آینده ، یعنی نه در حال و نه در آینده هرگز معبود شما را پرستش نمی کنم !

ولی ظاهرا شاهدی برای این تفسیر وجود ندارد.

تفسیر سومی نیز برای این تکرار گفته اند که اولی اختلاف در معبودها را بیان می کند، و دومی اختلاف در عبادت را، یعنی نه معبودهای شما را هرگز می پرستم ، و نه چگونگی عبادت من همچون شما است ، زیرا عبادت من خالصانه و خالی از هر گونه شرک است .

بعلاوه عبادت شما از بتها از روی تقلید کورکورانه نیاکان است و عبادت من نسبت به خدا از روی تحقیق و شکر است . <۷>

ولی ظاهر این است که این تکرار برای تاءکید است ، همانگونه که در بالا توضیح داده ایم و در حدیث امام صادق (علیه السلام) نیز اشاره به آن شده بود.

در اینجا تفسیر چهارمی نیز وجود دارد و آن اینکه در آیه دوم می فرماید: آنچه را که شما اکنون می پرستید من پرستش نمی کنم و در آیه چهارم می فرماید: من در گذشته نیز معبودهای شما را نمی پرستیدم تا چه رسد به امروز.

این تفاوت با توجه به اینکه در آیه دوم ((تعبدون)) به صورت فعل مضارع

و ((عبدتم)) در آیه چهارم به صورت فعل ماضی است بعید به

نظر نمی رسد. <۸> هر چند این تفسیر فقط تکرار آیه دوم و چهارم را حل می کند اما تکرار آیه سوم و پنجم همچنان به قوت خود باقی است . <۹>

۴ - آیا مفهوم آیه لکم دینکم ... جواز بت پرستی است ؟!

گاهی چنین تصور شده که آخرین آیه این سوره که می گوید: آئین شما برای خودتان ، و آئین من برای خودم همان مفهوم صلح کل را دارد، و به آنها اجازه می دهد که بر آئینشان بمانند، چرا که اصرار بر پذیرش آئین اسلام نمی کند!

ولی این پندار بسیار سست و بی اساس است ، زیرا لحن آیات به خوبی نشان می دهد که این تعبیر نوعی تحقیر و تهدید است ، یعنی آئین شما به خودتان ارزانی باد! و به زودی عواقب نکبت بار آن را خواهید دید، شبیه آنچه در آیه ۵۵ سوره قصص آمده : و اذا سمعوا اللغو اعرضوا عنه و قالوا لنا اعمالنا و لکم اعمالکم سلام علیکم لا نبتغی الجاهلین : مؤ منان هر گاه سخن لغوی را بشنوند از آن روی می گردانند، و می گویند: اعمال ما برای ما و اعمال شما برای خودتان ، سلام بر شما (سلام وداع و جدائی) ما طالب جاهلان نیستیم !

شاهد گویای این مطلب صدها آیه قرآن مجید است که شرک را در تمام اشکالش می کوبد، و از هر کاری منفورتر می شمرد، و گناهی نابخشودنی می داند.

جوابهای دیگری از این سؤ ال نیز داده اند، مانند اینکه آیه محذوفی دارد و در تقدیر چنین است : لکم جزاء دینکم و لی جزاء دینی

، جزای دین شما برای شما، و جزای دین من برای من .

دیگر اینکه : دین در اینجا به معنی جزا است ، و آیه نیز هیچ محذوفی ندارد، و مفهومش این است شما جزای خودتان را می گیرید و من هم جزای خودم را. <۱۰>

ولی تفسیر و پاسخ اول مناسب تر به نظر می رسد.

۵ - او هرگز یک لحظه با شرک سازش نکرد

آنچه در این سوره آمده در واقع بیانگر این واقعیت است که توحید و شرک دو برنامه متضاد و دو مسیر کاملا جدا می باشد، و هیچ شباهتی با یکدیگر ندارند، توحید انسان را به خدا مربوط می سازد، در حالی که شرک او را از خدا بیگانه می کند.

توحید رمز وحدت و یگانگی در تمام زمینه ها است در حالی که شرک مایه تفرقه و پراکندگی در همه شؤ ون است .

توحید انسان را از عالم ماده و جهان طبیعت بالا می برد ، و در ما ورای طبیعت به وجود بی انتهای الهی پیوند می دهد، در حالی که شرک انسان را در چاه طبیعت سرنگون می سازد، و به موجودات محدود و ضعیف و فانی پیوند می دهد. به همین دلیل پیغمبر اکرم (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) و تمام انبیاء عظام نه تنها یک لحظه با شرک سازش نکردند، بلکه نخستین و مهمترین برنامه آنها مبارزه با آن بود.

امروز نیز همه پویندگان راه حق و علماء و مبلغان این آئین باید همین خط را ادامه دهند، و در همه جا برائت و بیزاری خود را از هر گونه شرک و سازش با مشرکان

اعلام دارند.

این است راه اصیل اسلام .

خداوندا! ما را از هر گونه شرک و افکار و اعمال شرک آلود بر کنار دار

پروردگارا! وسوسه های مشرکین عصر ما نیز خطرناک است ، ما را از گرفتاری دام آنها حفظ کن .

بارالها! به ما آنچنان شجاعت و صراحت و قاطعیتی مرحمت فرما که همچون پیغمبر اکرم (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) هر گونه پیشنهاد سازش با کفر و شرک را رد کنیم .

آمین یا رب العالمین در روایات آمده است که این سوره در باره گروهی از سران مشرکان قریش نازل شده ، مانند ولید بن مغیره و عاص بن وائل و حارث بن قیس و امیه بن خلف و... گفتند: ای محمد! تو بیا از آئین ما پیروی کن ، ما نیز از آئین تو پیروی می کنیم ، و تو را در تمام امتیازات خود شریک می سازیم ، یکسال تو خدایان ما را عبادت کن ! و سال دیگر ما خدای تو را عبادت می کنیم ، اگر آئین تو بهتر باشد ما در آن با تو شریک شده ایم ، و بهره خود را گرفته ایم ، و اگر آئین ما بهتر باشد تو در آئین ما شریک شده و بهره ات را از آن گرفته ای ! پیغمبر (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) فرمود: پناه بر خدا که من چیزی را همتای او قرار دهم ! گفتند: لا اقل بعضی از خدایان ما را لمس کن و از آنها تبرک بجوی ما تصدیق تو می کنیم و خدای تو را می پرستیم !

پیامبر (صلی اللّه

علیه و آله و سلّم) فرمود: من منتظر فرمان پروردگارم هستم .

در این هنگام سوره ((قل یا ایها الکافرون)) نازل شد، و رسول الله به مسجدالحرام آمد، در حالی که جمعی از سران قریش در آنجا جمع بودند بالای سر آنها ایستاد، و این سوره را تا آخر بر آنها خواند آنها وقتی پیام این سوره را شنیدند کاملا ماءیوس شدند، و حضرت و یارانش را آزار دادند.

سوره کافرون

مقدمه

این سوره در مکه نازل شده و دارای ۶ آیه است.

محتوی و فضیلت سوره ((کافرون))

این سوره در ((مکه)) نازل شده ، و لحن و محتوای آن گواه روشنی بر این معنی است ، همچنین شاءن نزولی که به خواست خدا بعدا به آن اشاره می شود دلیل دیگری بر این مدعا است ، و اینکه بعضی احتمال داده اند مدنی باشد بسیار بعید به نظر می رسد.

لحن سوره نشان می دهد در زمانی نازل شده که مسلمانان در اقلیت بودند و کفار در اکثریت ، و پیغمبر اکرم (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) از ناحیه آنها سخت در فشار بود، و اصرار داشتند او را به سازش با شرک بکشانند، پیامبر (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) دست رد بر سینه همه آنها می زند، و آنها را به کلی ماءیوس می کند، بدون آنکه بخواهد با آنها درگیر شود.

این سرمشقی است برای همه مسلمانان که در هیچ شرائطی در اساس دین و اسلام با دشمنان سازش نکنند، و هر وقت چنین تمنائی از ناحیه آنها صورت گیرد آنها را کاملا ماءیوس کنند، مخصوصا در این سوره

دو بـار این معنی تاءکیـد شـده که من معبودهـای شـما را نمی پرسـتم و این تاءکیـد برای ماءیوس ساختن آنها است ، همچنین دوباره تاءکید شده که شـما هرگز معبود من ، خدای یگانه را نمی پرستید و این دلیلی است بر لجاجت آنها، و سرانجامش این است که من و آئین توحیدیم ، و شما و آئین پوسیده شرک آلودتان !

درباره فضیلت این سوره روایات فراوانی نقل شده که حاکی از اهمیت فوق العاده محتوای آن است از جمله :

در حدیثی (از پیغمبر اکرم (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) نقل شده که فرمود: من قراء قل یا

ایهـا الکـافرون فکانما قراء ربع القرآن و تباعـدت عنه مرده الشـیاطین ، و براء من الشـرک ، و یعافی من الفزع الاکبر: کسـی که سوره قل یا ایها الکافرون را بخوانـد گوئی ربع قرآن را خوانـده ، و شـیاطین طغیانگر از او دور می شوند، و از شـرک پاک می گردد، و از فزع (روز قیامت) در امان خواهد بود.

تعبیر به ((ربع القرآن)) شایـد به خاطر آن است که حدود یک چهارم قرآن مبارزه با شـرک و بت پرستی است ، و عصاره آن در این سوره آمده است ، و دور شدن شـیاطین سـرکش به خاطر آن است در این سوره دست رد بر سینه مشرکان زده شده ، و می دانیم شرک مهمترین ابزار شیطان است .

نجات در قیامت نیز در درجه اول در گرو توحید و نفی شرک است ، همان مطلبی که این سوره بر محور آن دور می زند.

در حدیث دیگری از پیغمبر اکرم (صلی اللّه علیه و

آله و سلّم) می خوانیم : مردی خدمتش آمد عرض کرد ای رسول خدا! برای این آمده ام که چیزی به من یاد دهی که به هنگام خواب بخوانم ، فرمود: اذا اخذت مضجعک فاقراء قل یا ایها الکافرون ثم نم علی خاتمتها فانها براءه من الشرک : هنگامی که به بستر رفتی سوره یا ایها الکافرون را بخوان ، بعد از آن بخواب که این بیزاری از شرک است . و نیز در روایتی از رسول خدا (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) آمده است که به جبیر بن مطعم فرمود: آیا دوست داری هنگامی که به سفر میروی از بهترین یارانت از نظر زاد و توشه باشی ؟ گفت : آری پدرم و مادرم فدایت ای رسول خدا!

فرمود: این پنج سوره را بخوان : ((قل یا ایها الکافرون))، و ((اذا جاء نصر الله و الفتح))، و ((قل هو الله احد))، و ((قل اعوذ برب الفلق ،)) و ((قل اعوذ برب

الناس))، و قرائت خود را با ((بسم الله الرحمن الرحیم)) آغاز کن .

و در حدیثی از امام صادق (علیه السلام) می خوانیم که می فرمود: پدرم می گفت قل یا ایها الکافرون ربع قرآن است ، و هنگامی که از آن فراغت می یافت می فرمود: اعبدالله وحده ، اعبدالله وحده : من تنها خدا را عبادت می کنم من تنها خدا را عبادت می کنم .

تفسیر :

هرگز با بت پرستان سر سازش ندارم

آیات این سوره پیغمبر اکرم (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) را مخاطب ساخته ، می فرماید: بگو ای کافران

(قل یا ایها الکافرون).

آنچه را شما می پرستید نمی پرستم (لا اعبد ما تعبدون).

و نه شما آنچه را من پرستش می کنم می پرستید (و لا انتم عابدون ما اعبد).

به این ترتیب جدائی کامل خط خود را از آنها مشخص می کند، و با صراحت می گوید: من هرگز بت پرستی نخواهم کرد، و شما نیز با این لجاجت که دارید و با تقلید کورکورانه از نیاکان که روی آن اصرار می ورزید و با منافع نامشروع سرشاری که از بت پرستان عائد شما می شود هرگز حاضر به خداپرستی خالص از شرک نیستید.

بار دیگر برای ماءیوس کردن کامل بت پرستان از هر گونه سازش بر سر توحید و بت پرستی می افزاید: ((و نه من هرگز آنچه را شما پرستش کرده اید می پرستم (و لا انا عابد ما عبدتم).

((و نه شما آنچه را که من می پرستم عبادت می کنید)) (و لا انتم عابدون ما اعبد).

بنابراین اصرار بی جا در مصالحه بر سر مساءله بت پرستی نکنید که این امر غیر ممکن است .

حال که چنین است آئین شما برای خودتان و آئین من برای خودم (لکم دینکم و لی دین).

بسیاری از مفسران تصریح کرده اند که منظور از کافرون در اینجا گروه خاصی از سران بت پرستان مکه اند، بنابر این الف و لام در الکافرون به اصطلاح برای عهد است ، نه برای جمع .

ممکن است دلیل آنها بر این مطلب علاوه بر آنچه در شاءن نزول گفته شد این باشد که بسیاری از بت پرستان مکه سرانجام ایمان آوردند، بنابراین اگر می گوید نه شما

معبود مرا عبادت می کنید و نه من معبود شما را حتما در مورد آن گروهی از سران شرك و كفر است كه تا پایان عمر هرگز ایمان نیاوردند و گرنه بسیاری از مشرکان به هنگام فتح مکه فوج فوج وارد اسلام شدند.

در اینجا چند سؤ ال مطرح است که باید به آن پاسخ گفت :

۱ - چرا سوره با فرمان قل بگو شروع شده است :

آیا بهتر این نبود گفته شود یا ایها الکافرون بدون اینکه قل در آغاز آن باشد؟ و به تعبیر دیگر: پیغمبر (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) باید دستور خداوند را اجرا کند و جمله یا ایها الکافرون را به آنها بگوید: نه اینکه جمله قل را نیز تکرار کند.

پاسخ این سؤ ال با توجه به محتوای سوره روشن است ، زیرا مشرکان عرب پیغمبر اکرم (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) را دعوت به سازش بر سر بتها کرده بودند. و او می بایست این

مطلب را از خود نفی کند، و بگوید: من هرگز تسلیم شما نمی شوم ، و عبادتم را با شرك آلوده نمی کنم اگر کلمه قل در آغاز این سوره نباشد سخن سخن خدا خواهد شد، و در این صورت جمله لا اعبد ما تعبدون (من آنچه را شما عبادت می کنید نمی پرستم) و امثال آن مفهومی نخواهد داشت .

بعلاوه چون کلمه قل در پیام جبرئیل از سوی خدا بوده ، پیغمبر اکرم (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) مؤ ظف است که برای حفظ اصالت قرآن آن را عینا بازگو کند، و این خود نشان

می دهـد که جبرئیـل و رسول اکرم (صـلی اللّه علیه و آله و سـلّم) در نقل وحی الهی کمترین تغییری نـداده انـد، و عملا ثابت کرده انـد ماءمورانی هسـتند گوش بر فرمان الهی ، همانگونه که در آیه ۱۵ سوره یونس می خوانیم : قل ما یکون لی ان ابـدله من تلقـاء نفسـی ان اتبع الا ـ مـا یوحی الی : بگو من حق نـدارم که قرآن را از پیش خود تغییر دهم من فقط از چیزی پیروی می کنم که بر من وحی می شود.

۲ - مگر بت پرستان منکر خدا بودند؟

می دانیم بت پرسـتان هرگز خدا را انکار نمی کردند، و طبق صـریح آیات قرآن اگر از خالق آسمان و زمین از آنها سؤ ال می شد می گفتند: خدا است :

و لئن سالتهم من خلق السموات و الارض لیقولن الله (لقمان ۲۵).

پس چگونه در این سوره می گوید: نه من معبود شما را می پرستم و نه شما معبود مرا؟

پاسـخ این سؤ ال نیز با توجه به اینکه بحث از مساءله خلقت نیست ، بلکه از مساءله عبادت است ، روشن می شود، بت پرسـتان خالق جهان را خدا می دانستند، ولی معتقد بودند باید بتها را عبادت کرد، تا آنها واسطه در درگاه خدا شوند، یا اینکه اصلا ما لایق این نیستیم که خدا را پرستش کنیم ، بلکه باید بتهای

جسـمانی را پرستش کنیم ، اینجاست که قرآن قلم سرخ بر اوهام و پندارهای آنها می کشد، و می گوید عبادت باید فقط برای خدا باشد، نه بتها، و نه هر دو!

۳ - این تکرار برای چیست ؟

در اینکه آیا

تکرار نفی عبادت بتها از ناحیه پیغمبر (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) و نفی عبادت خدا از ناحیه مشرکان ، برای چیست ؟ گفتگو بسیار است .

جمعی معتقدند که این تکرار برای تاءکید و ماءیوس کردن کامل مشرکان ، و جدا نمودن مسیر آنها از مسیر اسلام است ، و اثبات عدم امکان سازش میان توحید و شرک می باشد، و به تعبیر دیگر چون آنها در دعوت پیغمبر اکرم (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) به سوی شرک اصرار می ورزیدند و تکرار می کردند قرآن نیز رد آنها را تکرار می کند.

در حدیثی آمده است که ابوشاکر دیصانی (یکی از زنادقه عصر امام صادق (علیه السلام) از یکی از یاران امام صادق بنام ابوجعفر احول (محمد بن علی نعمانی کوفی معروف به مؤ من طاق) از دلیل تکرار این آیات سؤ ال کرد و گفت آیا شخص حکیم ممکن است این چنین تکراری در کلامش باشد؟

ابوجعفر احول چون در اینجا پاسخی نداشت وارد مدینه شد خدمت امام صادق (علیه السلام) رسید، و در این باره سؤ ال کرد، امام (علیه السلام) فرمود: سبب نزول این آیات و تکرار آن این بود که قریش به رسول خدا پیشنهاد کردند که یک سال تو خدایان ما را بپرست ، سال دیگر ما خدای تو را می پرستیم ، و همچنین سال بعد تو خدایان ما را بپرست و سال دیگر (سال چهارم) ما خدای تو را می پرستیم ، آیات فوق نازل شد و تمام این پیشنهادها را نفی کرد.

هنگامی که ابوجعفر ((احول

)) این پاسخ را برای ((ابوشاکر)) بیان کرد

او گفت : هـذا ما حمله الابل من الحجاز!: این باری است که شتران از حجاز آورده اند اشاره به اینکه سخن تو نیست و گفتار امام صادق (علیه السلام) است).

بعضی دیگر گفته اند: این تکرار به خاطر این است که یکی ناظر به حال می باشد و دیگری ناظر به آینده ، یعنی نه در حال و نه در آینده هرگز معبود شما را پرستش نمی کنم !

ولی ظاهرا شاهدی برای این تفسیر وجود ندارد.

تفسیر سومی نیز برای این تکرار گفته اند که اولی اختلاف در معبودها را بیان می کند، و دومی اختلاف در عبادت را، یعنی نه معبودهای شما را هرگز می پرستم ، و نه چگونگی عبادت من همچون شما است ، زیرا عبادت من خالصانه و خالی از هر گونه شرک است .

بعلاوه عبادت شما از بتها از روی تقلید کورکورانه نیاکان است و عبادت من نسبت به خدا از روی تحقیق و شکر است .

ولی ظاهر این است که این تکرار برای تاءکید است ، همانگونه که در بالاـ توضیح داده ایم و در حدیث امام صادق (علیه السلام) نیز اشاره به آن شده بود.

در اینجا تفسیر چهارمی نیز وجود دارد و آن اینکه در آیه دوم می فرماید: آنچه را که شما اکنون می پرستید من پرستش نمی کنم و در آیه چهارم می فرماید: من در گذشته نیز معبودهای شما را نمی پرستیدم تا چه رسد به امروز.

این تفاوت با توجه به اینکه در آیه دوم ((تعبدون)) به صورت فعل مضارع

و ((عبدتم)) در آیه چهارم

به صورت فعل ماضی است بعید به نظر نمی رسد. هر چند این تفسیر فقط تکرار آیه دوم و چهارم را حل می کند اما تکرار آیه سوم و پنجم همچنان به قوت خود باقی است .

۴ - آیا مفهوم آیه لکم دینکم ... جواز بت پرستی است ؟!

گاهی چنین تصور شده که آخرین آیه این سوره که می گوید: آئین شما برای خودتان ، و آئین من برای خودم همان مفهوم صلح کل را دارد، و به آنها اجازه می دهد که بر آئینشان بمانند، چرا که اصرار بر پذیرش آئین اسلام نمی کند!

ولی این پندار بسیار سست و بی اساس است ، زیرا لحن آیات به خوبی نشان می دهد که این تعبیر نوعی تحقیر و تهدید است ، یعنی آئین شما به خودتان ارزانی باد! و به زودی عواقب نکبت بار آن را خواهید دید، شبیه آنچه در آیه ۵۵ سوره قصص آمده : و اذا سمعوا اللغو اعرضوا عنه و قالوا لنا اعمالنا و لکم اعمالکم سلام علیکم لا نبتغی الجاهلین : مؤ منان هر گاه سخن لغوی را بشنوند از آن روی می گردانند، و می گویند: اعمال ما برای ما و اعمال شما برای خودتان ، سلام بر شما (سلام وداع و جدائی) ما طالب جاهلان نیستیم !

شاهد گویای این مطلب صدها آیه قرآن مجید است که شرک را در تمام اشکالش می کوبد، و از هر کاری منفورتر می شمرد، و گناهی نابخشودنی می داند.

جوابهای دیگری از این سؤ ال نیز داده اند، مانند اینکه آیه محذوفی دارد و در تقدیر چنین است : لکم جزاء دینکم

و لی جزاء دینی ، جزای دین شما برای شما، و جزای دین من برای من .

دیگر اینکه : دین در اینجا به معنی جزا است ، و آیه نیز هیچ محذوفی ندارد، و مفهومش این است شما جزای خودتان را می گیرید و من هم جزای خودم را.

ولی تفسیر و پاسخ اول مناسب تر به نظر می رسد.

۵ - او هرگز یک لحظه با شرک سازش نکرد

آنچه در این سوره آمده در واقع بیانگر این واقعیت است که توحید و شرک دو برنامه متضاد و دو مسیر کاملا جدا می باشد، و هیچ شباهتی با یکدیگر ندارند، توحید انسان را به خدا مربوط می سازد، در حالی که شرک او را از خدا بیگانه می کند.

توحید رمز وحدت و یگانگی در تمام زمینه ها است در حالی که شرک مایه تفرقه و پراکندگی در همه شؤ ون است .

توحید انسان را از عالم ماده و جهان طبیعت بالا می برد ، و در ما ورای طبیعت به وجود بی انتهای الهی پیوند می دهد، در حالی که شرک انسان را در چاه طبیعت سرنگون می سازد، و به موجودات محدود و ضعیف و فانی پیوند می دهد. به همین دلیل پیغمبر اکرم (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) و تمام انبیاء عظام نه تنها یک لحظه با شرک سازش نکردند، بلکه نخستین و مهمترین برنامه آنها مبارزه با آن بود.

امروز نیز همه پویندگان راه حق و علماء و مبلغان این آئین باید همین خط را ادامه دهند، و در همه جا برائت و بیزاری خود را از هر گونه شرک و سازش

با مشرکان اعلام دارند.

این است راه اصیل اسلام .

خداوندا! ما را از هر گونه شرک و افکار و اعمال شرک آلود بر کنار دار

پروردگارا! وسوسه های مشرکین عصر ما نیز خطرناک است ، ما را از گرفتاری دام آنها حفظ کن .

بارالها! به ما آنچنان شجاعت و صراحت و قاطعیتی مرحمت فرما که همچون پیغمبر اکرم (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) هر گونه پیشنهاد سازش با کفر و شرک را رد کنیم .

آمین یا رب العالمین

تفسیر مجمع البیان

آشنایی با این سوره به سوره دیگری رسیدیم. این بار یک صد و نهمین سوره از سورهای قرآن شریف. به شناسنامه اش می نگریم تا پیش از آغاز ترجمه آیاتش با حال و هوای آن آشنا گردیم.

۱ - نام این سوره در آغازین آیه این سوره، خدای فرزانه روی سخن را به بنده برگزیده اش محمد(ص) می کند و به او فرمان می دهد که از خدایان ساخته و پرداخته شرک گرایان و تاریک اندیشان و باورهای خرافی و پوچ و درد سرآفرین آنان اعلام برائت و بیزاری کند؛ چرا که میان توحید و شرک،

حق و باطل،

نور و ظلمت،

عدل و ظلم،

آزادی و استبداد،

مردم سالاری و زورمداری،

برابری و تبعیض خواهی،

رعایت حقوق خدا و خلق او با قانون شکنی و خودسری و پایمال ساختن حقوق بشر مرزهایی است روشن و خردمندانه که در مورد آنها جای سازش نیست.

قُلْ یا أَیُّهَا الْکافِرُونَ...

و نام این سوره، «کافرون» به معنی «کفرگرایان» خوانده شده و از همان آیه نخست اقتباس شده است.

این سوره را، سوره «عبادت» نیز نامیده اند، چرا که پیامبر و مردم با ایمان را از سازش بر

سر اصل و مبانی بنیادی مکتب هشدار می دهد.

۲ - فرودگاه آن به باور بیشتر مفسران و محدثان این سوره در آغازین سال های بعثت در مکّه و در کنار خانه خدا بر زجاجه نورانی جان محمد فرود آمده است. امّا برخی نیز آن را مدنی می دانند.

۳ - شمار آیه های آن این سوره از ۶ آیه، ۲۶ واژه، و ۹۴ حرف تشکیل شده است.

۴ - پاداش تلاوت آن از پیامبر آورده اند که فرمود:

من قرأ «قل یا ایهاالکافرون» فکانما قراء ربع القرآن...(۳۲۱)

کسی که سوره «کافرون» را بخواند و در آن هنگام به خودسازی و خودشکوفایی بیندیشد، بسان کسی است که یک چهارم قرآن را خوانده است. شیطان های طغیانگر به برکت این سوره از او دور می گردند و از بلای شرک و گمراهی و بیدادگری پاک و از هول و هراس روز رستاخیز در امان خواهد بود.

و نیز در روایتی آورده اند که به «جبیر بن مطعم» فرمود: آیا دوست داری هنگامی که به سفر می روی از نظر زاد و توشه از بهترین یارانت باشی؟

گفت: آری پدر و مادرم به قربانت!

فرمود: پس این سوره های پنج گانه را بخوان فاقرء هذه السّور الخمس...

پرسید: کدامین سوره ها؟

فرمود: سوره های «کافرون»، «نصر»، «اخلاص»، «فلق»، و سوره «ناس». و به یاد داشته باش که هر کدام را با «بسم اللّه الرحمن الرحیم» آغاز نما.(۳۲۲)

نامبرده می افزاید: من ثروت و سرمایه زیادی نداشتم و با کسانی که خدا خواست همسفر و همراه شدم، و به لطف او از بلند همت ترین و پرزاد و توشه ترین آن ها بودم تا از سفر باز آمدم.

و نیز

آورده اند که: مردی به حضورش آمد و گفت: ای پیامبر خدا! آمده ام چیزی به من بیاموزی که به هنگام خواب آن را بخوانم؛ فرمود: اذا اخذت مضجعک فاقرأ قل یا ایها الکافرون! ثم نم علی خاتمتها فانّها برأه من الشرک(۳۲۳)

هنگامی که به بستر رفتی، سوره «کافرون» را بخوان و پس از آن بخواب که این سند بیزاری از شرک و بیدادگری است.

از حضرت صادق آورده اند که می فرمود:

کان ابی یقول قل یا ایها الکافرون ربع القرآن، و کان اذا فرغ منها قال: اعبدالله وحده...(۳۲۴)

پدرم می فرمود: سوره کافرون بسان یک چهارم قرآن است، و هنگامی که آن را می خواند و از آن فراغت می یافت، می فرمود: تنها خدای یکتا را می پرستم، تنها او را می پرستم و بس.

و نیز آورده اند که فرمود:

من قرأ قل یا ایها الکافرون و قل هو الله احد فی فریضه من الفرائض غفرالله له و لوالدیه و ما ولدا، و ان کان شقیاً محی من دیوان الأشقیا و کتب فی دیوان السعداء و احیاه الله سعیداً و اماته شهیداً و بعثه شهیداً(۳۲۵)

کسی که سوره «کافرون» و «اخلاص» را در یکی از نمازهای واجب خویش بخواند و آن ها را باور داشته باشد، خدا او و پدر و مادر و فرزندانش را می آمرزد و اگر گرفتار تیره بختی شده نام او از دفتر تیره بختان زدوده شده، و در دفتر نیک بختان نوشته می شود؛ و خدا او را نیک بخت زنده می دارد و شهید از دنیا می برد و شهید بر می انگیزد.

۱ - بگو: ای کافران!

۲ - نه من آن چه را شما می پرستید، می پرستم،

۳ - و نه شما پرستنده اید آن چه را

که من می پرستم؛

۴ – و نه من پرستنده ام آن چه را که شما می پرستید.

۵ – و نه شما پرستنده اید آن چه را که من می پرستم.

۶ – آیین شما از آن شما، و آیین من از آن من است.

شأن نزول این سوره درباره گروهی از سردمداران شرک و استبداد، به نام های «حارث»، «عاص»، «ولید»، «اسود زهری»، «اسود بن اسد»، و «امیه بن خلف» فرود آمد، چرا که آنان به حضور پیامبر آمدند و گفتند: ای پیامبر خدا! شما بیا و از آیین ما پیروی نما، تا ما نیز از دین تو پیروی نموده، و تو را در همه امتیازات و قدرت و امکانات و رهبری و اداره جامعه شریک می سازیم. تو بیا و یک سال خدایان ما را عبادت نما! تا سال آینده ما خدای یکتای تو را خواهیم پرستید! در این صورت اگر دین تو بهتر باشد، ما در آن با تو شریک گردیده و بهره ور شده ایم و اگر آیین ما بهتر باشد تو از آن بی بهره نشده ای!

پیامبر فرمود: معاذ الله ان اشرک به غیره.

به خدای پناه می برم که چیزی را همتا و شریک او قرار دهم!

گفتند: پس بیا بر پاره ای از خدایان ما دست تواضع و فروتنی بکش و از آن ها برکت بجوی، تا در برابر آن، ما نیز رسالت و یکتایی پروردگارت را گواهی کرده و او را بپرستیم.

پیامبر فرمود: من تنها از بارگاه خدا فرمان می گیرم و راه می جویم.

درست در آن هنگام بود که این سوره فرود آمد که: یا أَیُّهَا الْکافِرُونَ...

پیامبر گرامی به مسجدالحرام آمد و در حالی که

سران شرك و استبداد نشسته بودند، در برابرشان ایستاد و این سوره را تا آخر، با صدایی رسا و آهنگی دلنشین بر آنان خواند.

آنان هنگامی كه پاسخ پیامبر را با شنیدن پیام خدای او شنیدند، از پیشرفت نقشه شوم خود مأیوس و راه آزار و شكنجه پیامبر و یاران او را در دستور كار قرار دادند.(۳۲۶)

«ابن عباس» آورده است كه: و آن گاه این آیه در مورد آنان فرود آمد كه: قل افغیر الله تأمرونی اعبد ایها الجاهلون(۳۲۷) هان ای پیامبر! بگو: هان ای نادانان! مرا وامی دارید كه جز خدا را بپرستم؟!

تفسیر

راه توحیدگرایانه و عادلانه ام را با شرك و استبداد نخواهم آلود

در سوره پیش، خدای فرزانه عیب جویی شرك گرایان و بی نسل و تبار و بی آینده خواندن پیامبر و راه و رسم توحیدی اورا مردود شمرد و به آن حضرت اطمینان داد كه به وی «خیر فراوان» و پایان ناپذیر ارزانی شده است، اینك به آن پرچمدار توحید و آزادی فرمان داده می شود كه از نقشه شوم آنان - كه در اندیشه تطمیع او هستند - بر حذر باشد و با صراحت و شجاعت به آنان اعلام كند كه هر گز راه و رسم توحیدی و عادلانه و روش بشردوستانه خود را با شیوه های شرك آمیز و ظالمانه و استبدادی آنان نخواهد آلود.

نخست روی سخن را به آن حضرت می نماید و می فرماید:

قُلْ یا أَیُّهَا الْكافِرُونَ هان ای محمد(ص)! بگو: هان ای كفرگرایان حق ناپذیر!

در آیه بدان دلیل كه «الف و لام» عهد به كار رفته، سردمداران شرك و استبداد مورد نظرند و روی سخن با آنان است.

پیامبر به فرمان

خدا به آنان اعلام می دارد که:

لا أَعْبُدُ ما تَعْبُدُونَ نه من آنچه را شما می پرستید، خواهم پرستید،

و نه شما آنچه را من می پرستم، خواهید پرستید.

وَ لا أَنْتُمْ عابِدُونَ ما أَعْبُدُ

نه آنچه را شما پرستیدید، من می پرستم؛

وَ لا أَنا عابِدٌ ما عَبَدْتُّمْ

و نه آنچه را من می پرستم شما خواهید پرستید.

وَ لا أَنْتُمْ عابِدُونَ ما أَعْبُدُ

با این بیان خدای فرزانه روی سخن را به پیامبرش می نماید و به او دستور می دهد که با صراحت و شهامت و صداقت و خیرخواهی به سردمداران شرک و بیداد اعلام کند که هرگز بت ها و خدایان دروغین آنان را نخواهد پرستید، و شیوه های شرک آلود و استبدادی آنان را در زندگی فردی، خانوادگی، اجتماعی و سیاسی امضاء نخواهد کرد و آن ها نیز این صداقت و شهامت را ندارند که دست از ستم و خرافه بردارند و اصلاح پذیرند و به حق روی آورند، بلکه بر بیداد و خشونت و شرک و کفر و خودسری و خودکامگی خود خواهند افزود و خدای یکتا را نخواهند پرستید و اصلاح نخواهند پذیرفت.

به باور «ابن عباس» و «مقاتل» منظور پیامبر این است که: نه امروز و نه فردا و فرداهای دور و تا پایان زندگی هرگز بت های شما را نخواهم پرستید.

و «زجاج» بر آن است که: پیامبر با این بیان روشن و بیدارگر از سویی پرستش خدایان پنداری آنان، از سوی خود را برای همیشه نفی کرد، و از دگر سو از اصلاح ستیزی و حق ناپذیری سردمداران شرک و استبداد که نامشان در «شأن نزول» رفت، خبر داد!

این آیات و این

خبر از آینده به وسیله پیامبر، بسان پیشگویی این آیه است که در داستان نوح می فرماید:

و اوحی الی نوح انّه لن یؤمن من قومک الّا من قد آمن(۳۲۸)

و به نوح وحی گردید که از جامعه و مردم تو، جز کسانی که تاکنون ایمان آورده اند، هرگز کسی ایمان نخواهد آورد...

«فراء» در مورد تکرار آیه ها و مفهوم آن ها می گوید: در زبان و فرهنگ عرب تکرار واژه ها و مفاهیم آن ها به صورت های گوناگون رایج است، و هدف نیز روشن ساختن اهمیت سخن و تأکید بر آن است تا شنونده پیام را نیک دریابد و در آن بیندیشد.

این تکرار هم در پذیرش نظر گوینده رایج است و هم در نفی سخن گوینده و پندار او. در قرآن و روایات و شعر و نثر عرب نیز بسیار آمده است، برای نمونه:

عرب به هنگام موافق بودن با اندیشه ویا سخن گوینده، می گوید: آری، آری. و زمانی که موافق نباشد، بارها می گوید: نه، نه، هرگز.

قرآن می فرماید: کلا سوف تعلمون، ثم کلّا سوف تعلمون(۳۲۹)

نه، چنین نیست به زودی خواهید دانست؛ باز هم چنین نیست به زودی خواهیم دانست...

در شعر عرب نیز تکرار واژه ها و مفاهیم بسیار است، برای نمونه: شاعر می گوید:

کم نعمه کان لکم کم کم و کم!

شما چه بسیار نعمت ها داشته اید! چه قدر، چه اندازه و چه بسیار! و دیگری می گوید:

نعق الغراب یبین لیلی غدوه

کم کم و کم بفراق لیلی ینعق صبحگاهان کلاغ به صدا در آمد و از مرگ لیلی خبر داد، راستی چه قدر، چه قدر و چه اندازه از جدایی او صدا می زند؟

با این بیان تکرار

سخن در فرهنگ و ادبیات عرب رایج است و در این آیات بسیار جای تأکید است، چرا که کفرگرایان این نقشه شوم را طرح، و بر آن پافشاری می کردنـد، از این رو خدای فرزانه در پاسخ اصـرار و پافشاری آنان بر شـرک و بیداد، بسـیار جالب و زیبنده است که بر توحیـدگرایی و پروا و عدالت خواهی و آزادگی دین خود تأکید کند، تا آنان را در تاریک اندیشـی خود نومید و سرافکنده، و در طمع ورزیشان بر فریب پیامبر و مردم با ایمان مأیوس سازد.

به باور پاره ای منظور از تکرار، بیان این نکته است که: من هرگز بت هایی را که شـما می پرستیـد، نخواهم پرستیـد و شـما نیز هرگز آن خدای بی همتایی را که من می پرسـتم، نخواهید پرستید؛ چرا که شـما به او شرک ورزیده و به جای او و به همراه او خـدایان دورغین را به خـدایی گرفته ایـد، در حـالی که تنها کسـی می توانـد او را بپرسـتد که پرسـتش خود را برای او خالص سازد، و من هرگز این گونه که شما می خواهید خدا را بپرستید، او را نخواهم پرستید؛ بلکه پرستش من خالصانه و پاک و ناب خواهد بود.

بااین بیان «ما»، «مصدریه» است و در آیه نخست «معبود» مورد نظر است و در آیه دوم، عبادت و پرستش.

یک پرسـش و پاسـخ آن ممکن است این پرسـش طرح گردد که طبق این بیان تفاوت معبودها و خدایان روشن است؛ چرا که آنان بت ها و خدایان دورغین را می پرستند و پیامبر خدای یکتا را؛ امّا چه تفاوتی میان عبادت پیامبر با پرستش آنان است؟

پاسخ این است که پیامبر گرامی خدای یکتا را خالصانه

می پرستید و تنها او را به خدایی گرفته بود و عبادت می کرد و بس، امّا شرک گرایان در پرستش خود برای خدا، همتا و شریک برگرفته بودند و عبادت آنان خالص نبود، و میان این دو عبادت تفاوت روشن است. آری، پیامبر در همه ابعاد زندگی و انجام هر کاری خشنودی و رضایت خدا و درستی کار و راه را در نظر می گرفت و هر کاری را برای تقرب به او انجام می داد، امّا شرک گرایان بر اثر جهل و خرافه و عادت ها و آموزش های غلط، به بت ها تقرّب می جستند و در نتیجه هر گناه و زشتی را نیز مرتکب می شدند.

و سرانجام در آخرین آیه مورد بحث می فرماید:

لَكُمْ دِينُكُمْ وَ لِيَ دِينِ

اینک که چنین است دین و آیین شما برای شما، و دین آیین من از آن من.

در تفسیر آیه دیدگاه ها متفاوت است:

۱ - به باور گروهی منظور این است که: پاداش پرستش و دین شرک آلود شما برای شما و پاداش دین توحیدی و آسمانی من برای من. با این بیان «مضاف» حذف شده است.

۲ - امّا به باور برخی دیگر، کفرگرایی و حق ستیزی شما برای شما باد و توحیدگرایی و حق پذیری و پرستش خالصانه من برای من و این بیان و آیه گرچه به ظاهر نشانگر بی مانع بودن شرک و کفر و یا جواز پرستش های ذلت بار آنان است، امّا در حقیقت هشداری است سخت، که آنان را از کفر و پرستش غیر خدا بر حذر می دارد.

آیه مورد بحث بسان این آیه است که می فرماید: اعملوا ماشئتم...(۳۳۰)

هر آنچه می خواهید انجام دهید که او به آن چه انجام

می دهید بیناست.

۳ – از آن جایی که واژه «دین» به معنی پاداش و کیفر کردار انسان آمده، به باور پاره ای منظور این است که: ثمره عملکرد شما برای شما و ثمره کار من نیز برای من.

واژه «دین» در شعر عرب نیز به معنی پاداش و کیفر آمده است. شاعر می گوید

اذا ما لقونا لقیناهم و دَنّاهم مثل ما یقرضونا

هنگامی که آنان با ما دیدار نمودند، ما نیز با آنان دیدار خواهیم نمود، و همانند آنچه به ما وام می دهند به آنان پاداش خواهیم داد.

دو نکته بسیار جالب ۱ – این سوره مبارکه در بردارنده اعجازی بزرگ از سوی پیامبر گرامی بر دریافت وحی، و سندی است خدشه ناپذیر و استوار بر درستی دعوت و آسمانی بودن کتاب او؛ چرا که آن بزرگوار در این سوره از رخدادهای آینده زندگی خود و سردمداران شرک و استبداد حاکم پیشگویی کرد، و خبرهایی ها را داد که جز از سوی خدای آگاه به نهان ها راهی به سوی آن ها نیست؛ و شگفتا که تاریخ نشان داد که خبرهای آن حضرت همان گونه که آورده بود تحقق یافت.

۲ – نکته درس آموز دیگر در این سوره هشدار از سستی و سازش در دین و آمیخته ساختن باطل و بیداد و شرک و خرافه و روش های ظالمانه با توحیدگرایی و روش های عادلانه و بشردوستانه دین خدا و رسیدن به هدف های مقدس، با به کارگیری ابزارها و شیوه های ظالمانه فریب و خشونت و ترور و وحشت آفرینی است؛ آری این آیات از این آفت نیز هشدار می دهد.

پرتوی از سوره مبارکه در آیات کوتاه این سوره مبارکه درس های

ارزشمند و انسان پروری است که پاره ای از آن ها را به گونه ای کوتاه و فشرده می نگریم.

۱ - جدایی راه توحید با شرک این آیات به روشنی نشانگر آن است که راه توحید و شرک و عدالت و ظلم از یکدیگر جداست؛ چرا که راه توحیدگرایی انسان را به سوی تقرب به خدا و تخلق به اخلاق او - که آگاهی، بینایی، حق شناسی، عدالت، راستی، توانایی، بی نیازی، هدفداری، بشردوستی و بنده نوازی است - راه می نماید، امّا بیراهه شرک و ظلم انسان را از این والایی ها دور می سازد و به سنگدلی و خشونت و فریب و نیرنگ و خودسری و خودکامگی و شقاوت و جنایت و انحصار و استبداد سوق می دهد. توحیدگرایی رمز وحدت و یکپارچگی با به رسمیت شناختن تنوع سلیقه ها و اندیشه ها و عقیده های منطقی است، امّا شرک به سوی شقه شقه ساختن جامعه و سلطه انحصاری فرد یا گروهی بر همگان با قهر و غلبه می کشاند.

توحیدگرایی به انسان توجه می دهد که هستی هدفدار است و کارهای نیک و ناروا را پاداش و کیفری است متناسب و عادلانه، و ذره ای عدالت و ستم گم نمی گردد و انسان مسئول است و از او باز خواست خواهد شد، امّا شرک و استبداد بر این بیراهه است که زورمداران نباید نقد شوند و محاسبه پذیرند، و مورد چون و چرا قرار گیرند، و از آنان بر گفتار و کردار گزاف و ظالمانه ای که بر زبان می آورند و دست می یازند نباید دلیل و برهان خواست!

توحیدگرایی تأکید می کند که باید با شیوه های خداپسندانه و راه های عادلانه زیست و اجازه هر کار و هر شیوه

و وسیله ای را – حتی به بهانه مقدس بودن هدف – نمی دهد، امّا شرک و استبداد به بهانه واژه ها و هدف های نیک و دهن پرکن از هر وسیله و ابزاری برای سرکوب و شقاوت و تحمیل بهره می گیرد و این راز تکرار آیه شریفه است که پیامبر فرمود:
لا أَعْبُدُ ما تَعْبُدُونَ...

آنچه را شما می پرستید و بیراهه ای که شما در زندگی گام می سپارید من نخواهم پرستید و گام نخواهم سپرد.

۲ – اعلام بیزاری از شرک و استبداد با منطق و مدارا

مادیگران و پیروان مکتب کمونیسم حدود یک قرن تسلط استبدادی و شقاوت بار خود بر بخش بزرگی از دنیا، افزون بر کشتار و فجایع بی شمار و انحطاط و واپسگرایی و عقب ماندگی وحشتناکی که به بار آوردند، دنیا را آکنده از خشم و نفرت، تندی و خشونت، افراطی گری و جنون و ترور و وحشت کردند.

آنان با تبلیغات بسیار گسترده و انحصاری خویش، امواجی سهمگین از فریب و نیرنگ، و قهر و جبر، و سیلابی از شیوه های زورمدارانه را وارد فرهنگ هاکردند و شیوه های منطق و مدارا، همزیستی و مسالمت، تساهل و تسامح، بشردوستی و حقوق بشر، مردم خواهی و محروم نوازی، ایثار و فداکاری، آزادی اندیشه و فکر، تنوع سلیقه و نظر، حق سنجش و مقایسه، گزینش عقیده و مذهب، و دموکراسی و مردم سالاری را مردود و منفور و ارتجاعی و امپریالیستی اعلام داشتند! و سوگمندانه نیروهای خودسر و زورمدار و تاریک اندیش، و جریانهای شیفته قدرت و تشنه مقام و مغزهای سنگواره ای نیز دانسته و یا ندانسته آنها را گرفته و هم چنان تاریکی و سیاهی می آفرینند و خرافه می

بافند و مهر و مدارا، منطق و تحمل، آزادی و حقوق بشر، مردم سالاری و حق حاکمیت برسر نوشت و تنوع سلیقه ها را بر نمی تابند و بر این باورند که هر کسی جز همانند آنان اندیشید و سلطه انحصاری آنان را نپذیرفت و آن روش ها را نقد کرد، باید مارک کفر و شرک و خیانت و ...بخورد و حذف گردد! و دردا که این شیوه های شرک آلود و ظالمانه را با نام خدا و دین خدا ترویج می کنند و همه آگاهان و آزادی خواهان و نسل جوان را به تدریج از دین می گریزانند.

آیات این سوره را بنگرید که چگونه با دقت، قاطعیت، استواری و منطق روشنگری می کند که راه توحید از راه شرک جداست، و آن را نفی می کند، امّا نه تهدید به کشتار می کند و نه حذف و نه اجبار و تحمیل، بلکه به منطق و مدارا و خردورزی و خردمندی و راهیابی رهنمون است تا انسان ها همان گونه که خدایشان به آنان اختیار انتخاب و آزادی گزینش و سنجش و مقایسه داده است، راه را برگزینند و نه بَره منشانه و یا به زور چماق و زندان.

تفسیر اطیب البیان

سوره کافرون ، غرض سوره :اعلام برائت از مشرکین و مأیوس کردن آنان از سازش با پیامبر ص .

(۱) (قل یا ایها الکافرون):(بگو ای گروه کافران)

(۲) (لا اعبد ما تعبدون):(من آنچه را که شما می پرستید، نمی پرستم)

(۳) (و لا انتم عابدون ما اعبد):(وشماهم آنچه راکه من می پرستم ،نخواهیدپرستید)

(۴) (و لااناعابدماعبدتم):(من نیزبرای همیشه آنچه راشمامی پرستیدنخواهم پرستید)

(۵) (و لا انتم عابدون ما اعبد):(و شما هم هرگز آنچه رامن می

پرستم ،نمی پرستید)

(۶) (لکم دینکم ولی دین):(دین شما برای خودتان و دین من برای خودم)مطابق روایت ولیدبن مغیره و اسود بن مطلب و امیه بن خلف به رسولخدا ص پیشنهاد کردند که ای محمد بیا کدورت را کنار بگذاریم ، یکسال تو خدایان ما را عبادت کن ، سال بعد ما خدای تو را می پرستیم و سال دیگر مجددا تو خدایان ما را بپرست وسال بعدش ما خدای تو را می پرستیم ،به این ترتیب اگر معبود ما به حق باشد، تو نیز بی بهره نمانده ای و اگر معبود تو به حق باشد ما هم از پرستش او بهره برده ایم (۶۴).این سوره در جواب آنها نازل شد و به پیامبر امر نمود تا از کفار برائت جسته وبگوید: ای کافران (البته خطاب با یک گروه معین و معهود از کفار است) من هرگز بتهای شما را نمی پرستم و شما هم پروردگاری را که من امروز می پرستم نخواهید پرستید،آنوقت در مقام تأکید و اثبات این برائت بطور دائمی و ابدی ، مجددا تکرار می کند که ،من در پرستش معبود و در اصل عبادت با شما اشتراکی ندارم و شما نیز با من اشتراک ندارید، چون معبود من خدای یکتاست و عبادت من بر طبق آنچیزی است که خداتشریع کرده ، اما عبادت بتها، یک امری است که شما آن را ابداع کرده اید و از جهل وافتراء شما ناشی می شود، لذا دین شما که همان بت پرستی است مخصوص خودشماست وبه من تعدی نمی کندودین من نیز مخصوص خودم است و شما را در بر نمی

گیرد.البته معنای آیه این نیست که هر کس هر دینی را که بخواهد انتخاب کند، بلکه منظوراین است که جدایی و افتراق توحید و شرک از یکدیگر مشخص شود تا مردم بدانندتوحید به هیچ وجه با شرک جمع نمی شود،(اسلام ، اسلام است و جاهلیت ، جاهلیت ، وراهی که به اسلام منتهی می شود، مستلزم جدایی و انقطاع کامل از شرک و همه ارزشهای جاهلی و تصورات و افکار و تقلیدها و قید وبندهای آن است که عبارتست از همان هجرت بسوی اسلام و همه لوازم آن و حد وسطی بین این دو مذهب وجود ندارد وسازش و تفاهمی میان آنها نیست ، اگر چه که جاهلیت خود را به لباس اسلام در آورده وادعای اسلام بکند.

تفسیر نور

در شأن نزول این سوره آمده است که بعضی از سران قریش به پیامبر گفتند: ای محمّد تو یک سال از آیین ما پیروی کن، ما سال بعد از تو پیروی می کنیم. آنگاه هر کدام بهتر بود آن را ادامه می دهیم، اما پیامبر نپذیرفت. گفتند: لااقل خدایان ما را مسّ کن و تبرّک بجوی

ا ما نیز خدای ترا بپرستیم، در این هنگام این سوره نازل شد.

کلمه «قل» اندکی از کینه کفار نسبت به پیامبر می کاهد، زیرا می فهمند که سرکارشان با خداست و پیامبر تنها مأمور است.

گاهی باید مخالفان را به حال خود رها کرد و گفت: <<لکم دینکم>> چنانکه در سوره قصص آیه ۵۵ می خوانیم: <<لنا اعمالنا و لکم اعمالکم>> و این نوعی تحقیر و تهدید است نه اجازه برای هر نوع عمل و عقیده.

در مواردی از قرآن تکرار برای تأکید است، نظیر: <<کلّا سوف تعلمون ثمّ

کلّا سوف تعلمون>><۱۱۰۷> و <<فقتل کیف قدّر ثم قتل کیف قدّر>><۱۱۰۸> در این سوره نیز تکرار می تواند برای تأکید باشد تا مشرکان از تسلیم شدن مسلمانان قطع امید کنند و می تواند برای تلق

استقامت به مؤمنان باشد تا در مواضع خود پایدار بمانند.

خبر از ایمان نیاوردن گروهی از کفار، بارها در قرآن مطرح شده است، از جمله آنها آیه ششم سوره بقره و آیه هفتم سوره یس است که با صراحت می فرماید: <<فهم لا یؤمنون (P) >>

۱- پیامبر اکرم امین وحی است و هر چه به او نازل شود بازگو می کند. <<قل>>

۲- مسلمانان باید در برابر پیشنهادات غیر منطقی، صریح و قاطع پاسخ بگویند و دشمنان را از خود مأیوس نمایند. <<لا اعبد ما تعبدون>>

۳- به نام وحدت، نباید از اصول و ارزشها سرپیچی کرد. <<لا اعبد ما تعبدون>>

۴- دنیای کفر باید از تسلیم شدن مسلمین مأیوس باشد. <<لا اعبد... و لا انا عابد>>

۵ - اعلام برائت از کفار باید مکرّر و مؤکّد و علنی باشد. <<قل یا ایّها الکافرون لا اعبد ما تعبدون>>

۶- در دین معامله نکنید، با دشمن سازش و مداهنه نکنید و در برابر تکرار پیشنهادهای نابجا، شما نیز موضع خود را قاطعانه تکرار کنید. <<لا اعبد... لا انتم عابدون... و لا انا عابد...>>

۷- به خاطر جذب دیگران، دست به هر کاری نزنید. <<لا اعبد... و لا انتم عابدون>>

۸ - قرآن از غیب خبر می دهد. حتی یک نفر از پیشنهاد دهندگان، حاضر به اسلام آوردن نشد. <<و لا انتم عابدون ما اعبد>>

۹- پایداری و قاطعیّت، شرط رهبری است. <<و لا انا عابد...>>

۱۰- عبادت و بندگی خدا، ملاک تمایز مؤمن از کافر است. آن

که ادّعای ایمان می کند اما نماز نمی گذارد، در ادّعایش شک کند. <<یا ایّها الکافرون... لا انتم عابدون ما اعبد>>

۱۱- انسان در انتخاب دین آزاد است نه مجبور. <<لکم دینکم و لی دین>>

۱۲- باید صف ها از هم جدا شود، حق از باطل و کفر از ایمان متمایز شود. <<لکم دینکم ولی دین>>

۱۳- معبود هر کس، بیانگر دین و آیین اوست. <<لا انا عابد... لا انتم عابدون... لکم دینکم ولی دین>>

«والحمدللّه ربّ العالمین»

تفسیر انگلیسی

Some of the leading disbelievers of Makka had proposed to the Holy Prophet a compromise between Islam and their ancient faith such as they conceived it, so that their idols might also have an honourable mention in the adoration of the worshippers. The Holy Prophet resisted all appeals to worldly motives, and stood firm to his message of eternal unity of Allah. This surah breathes a spirit of uncompromising abhorrence to idolatry. There can be no common ground between the worship of "the one" and the many- monotheism and polytheism. Refer to .Baqarah: ۲۵۶; Yunus: ۴۱

(see commentary for verse ۱)

(see commentary for verse ۱)

(see commentary for verse ۱)

(see commentary for verse ۱)

(see commentary for verse ۱)

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹